

اعتصاب پرشکوه نفتگران و وظائف پیشارو!

هنوز رژیم اسلامی از کابوس "نه بزرگ" مردم به نمایش انتخاباتی بیرون نیامده بود، که با موج نیرومند اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و غیر رسمی صنایع نفت و پتروشیمی روبرو شد. سران رژیم بشیرمانه به یکدیگر تبریک پیروزی میگفتند و خام اندیشانه تصور میکردند مردمی که در یک اقدام هماهنگ سیاسی مضحکه انتخابات را به شکست کشانده بودند، تشکلهای کارگری که اعلام کرده بودند این انتخابات ربطی به آنها ندارد، خانواده های داغدار که اعلام نموده بودند به قاتل فرزندانشان رأی نخواهند داد، زیر بمباران تبلیغاتی بلندگوهای رژیم باور خواهند کرد که آنها شکست خورده و رژیم پیروز گشته است.

ما در روزهای پیش و پس از نمایش انتخاباتی رژیم گفتیم که تصمیم رژیم برای تیغ جراحی گذاشتن بر تن خود جهت مقابله با شورش گرسنگان است، ما گفته بودیم که استراتژی رژیم سرکوب عریان تر و بی امان تر است، ما گفته بودیم که رژیم امکان هیچگونه بهبودی در وضعیت معیشتی مردم با توجه به تلاشی اقتصادی موجود ندارد، ما گفته بودیم که رژیم بیش از گذشته بر ارزان سازی نیروی کار جهت سود آوری سرمایه پافشاری خواهد کرد و بالاخره و مهمتر از همه گفته بودیم که جامعه وارد یک دوره جدیدی از مبارزه طبقاتی خواهد شد. فراخون "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" در روز ۳۰ خرداد، مبنی بر اینکه از روز سه شنبه اول تیر ماه اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت آغاز خواهد شد، شیپور پر صدای این دوره جدید بود.

اول تیر پاسخ نفتگران به همه آنانی بود که تصور میکردند با گماردن یک جلا در رأس قوه مجریه مردم را از صحنه نبرد به



بیانیه های کارگران نفت در مورد اعتصاب سراسری!

اطلاعیه کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایران
در ارتباط با اعتصاب
سراسری کارگران
پیمانی و پروژه ای
صنعت نفت و پتروشیمی

شورای همکاری

با همه نیرو از
اعتصابات سراسری
کارگران نفت
حمایت کنیم!

بحران مشروعیت

و شرایط
روند سرنگونی

تجربه کرده اند. زنان و جوانان با ایفای نقش پررنگ خود در مبارزات این دوره ورشکستگی ایدئولوژیک رژیم را اعلام کرده اند. اینجا نیروهای اپوزیسیون بورژوائی که خواهان تغییر و تحول از بالای سر مردم هستند، با سدی از مقاومت جامعه روبرو شده اند. خود اینکه طبقه کارگر در مرکز تحولات جامعه قرار گرفته است، اینکه یک نسل از فعالین و رهبران کارگری شجاع و آگاه در جریان عمل مبارزاتی طبقه رشد یافته و به وسط میدان آمده اند، روند های بسیار اساسی برای پیشروی طبقه کارگر است. با این وجود نباید فراموش کرد که جنبش کارگری ایران باید هنوز گام هائی مهمی را به جلو برداشته و سنگرهای جدیدی را فتح کند. بویژه در لحظه کنونی یکی از مهمترین وظایف تلاش برای ایجاد تشکلهای توده ای و طبقاتی کارگران در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی، تلاش برای سرتاسری کردن این تشکل ها در رشته های مختلف و پیوند دادن این تشکلهای یکدیگر است.

به عنوان یک اقدام عاجل و راه میانجی در شرایط فقدان تشکل سراسری کارگران به معنای جامعی که مد نظر است، ارتباط نزدیک و پیوند رهبران، فعالان و پیشروان جنبش کارگری و گرد آمدن آنها در یک شورای همکاری می تواند تا حدودی خلاء ناشی از نبود تشکل های سراسری را در شرایط کنونی پر کند. گرد آمدن رهبران و فعالینی که در کانون های داغ مبارزات کارگری در بخش های تولیدی و خدماتی حضور دارند و از رابطه ارگانیک و زنده ای با کارگران در محیط کار و مبارزه برخوردارند در یک ظرف سازمانی مانند شورای هماهنگی یا همکاری می تواند نقش بسیار مؤثری در به هم مرتبط کردن و هماهنگ کردن اعتصابات و اعتراضات کارگری داشته باشد.



مدت در مناطقی چون فازهای ده تا ۱۴ عسلویه آنها را همراه خود داشته ایم. تا همین جا خوب آمده ایم و به همه همکارانمان درود میگوییم." آنها نوشتند "اتحاد مبارزاتی ما و پیوستن به اعتصاب در چنین سطحی بسیار غرورآفرین است و به همه دست مریزاد میگوییم. اما باید تلاش کنیم که این اتحاد را در شکل پیش برد اعتراضاتمان نیز داشته باشیم. باید با دخالت حداکثری خود در پیشبرد مبارزه، جلوی هر نوع تفرقه افکنی و دسیسه گری را بگیریم. نباید ریش و فیچی را دست شمار معینی از افراد که اینجا و آنجا اعلام کمین میکنند بدهیم و همه تصمیم گیری را به آنها بسپاریم و خود راهی خانه شویم. بلکه چه با حضور در محل و ماندن در خوابگاه ها و برنامه ریزی برای تجمعات اعتراضی در مقابل پالایشگاه ها و مراکز نفتی و چه از طریق حضور فعال در گروه هایی که در مدیای اجتماعی داریم هر روزه در جریان تصمیم گیری در مورد چگونگی پیشبرد مبارزه مان، فعالانه دخالت گر باشیم. این درس مهمی است که از کارگران نیشکر هفت تپه آموختیم و باید بدانیم که تنها به این صورت و با تصمیم گیری شورایی و جمعی است که می توانیم جلوی تفرقه افکنی ها و زد و بندهای احتمالی و از بالای سرمان را بگیریم." آنها نوشتند که "هفتصد نفر از همکاران روزمزد ما در پالایشگاه تهران اخراج شدند. باید خواست بازگشت به کار آنها و دیگر همکاران اخراجی را به مطالباتمان اضافه کنیم. اعتصاب ما سراسری است و هرگونه تعرضی به این اعتصاب باید با صف متحد مبارزاتی ما پاسخ گیرد."

اعتصابات گسترده کارگران نفت یکبار دیگر تجربه اعتصابات پرشکوه نفتگران در به زانو درآوردن رژیم ستم شاهی در سال پنجاه و هفت را زنده کرده است. هر چند که جامعه ایران اکنون در شرایط دیگری قرار گرفته است، با وجود این ضروری است از نقاط قوت و ضعف آن مبارزات درس بگیریم. این درست است که ماشین سرکوب جمهوری اسلامی بسیار بیرحمتتر و خشن تر از آن دوره عمل میکند ولی نباید فراموش کرد که جنبش کارگری ایران نیز در این چهار دهه تجارب گرانقدری را کسب کرده و رهبران آزموده ای را در دامان خود پرورده است. همزمان پوپولیسم و ملی گرایی موجود در سازمانها و نیروهای جنبش چپ و کمونیستی آن دوره جای خود را به باور به نقش مرکزی طبقه کارگر و سوسیالیسم این طبقه داده است. در عین حال جامعه کنونی ایران جامعه سالهای پنجاه نیست. مردم خیزش های سراسری و انقلابی دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ را

عقب خواهند راند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی این فراخوان اعلام کردند: "ما کارگران پیمانی نفت در پالایشگاهها، پتروشیمیها و نیروگاهها در اعتراض به سطح نازل حقوقها و کاهش هر روزه قدرت خرید خود و عدم اجرای وعده های داده شده، اعتصابات گسترده و سراسری خود را از سر میگیریم و با تجمع در مقابل مراکز کاریمان پیگیر مطالبات خود میشویم." شورای سازماندهی این اعتصاب همچنین اعلام کرد که "اعتصاب ما یک اعتصاب اختطاری است و یک هفته در جریان خواهد بود و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود که اعلام اعتراض کرده اند خواهیم پیوست." آنان فهرست مطالبات خود را از جمله "افزایش دستمزدها، پرداخت به موقع دستمزدها، پایان دادن به کار موقت و پیمانی، پایان دادن به اخراج کارگران، پایان دادن به شرایط امنیتی در محل کار و برخورداری از درمان و تحصیل رایگان برای همه" اعلام کردند. بدون تردید همه این مطالبات، که کارگران نفت پرچم آن را برافراشته اند، مطالباتی هستند که کارگران ایران فارغ از اینکه در کدام بخش کار میکنند، در همه اعتراضات و اعتصابات خود بویژه در سالهای اخیر آنها را فریاد زده اند. درست از همین زاویه است که اعتصاب این کارگران بلافاصله با پشتیبانی و اعلام حمایت بسیاری از تشکلهای و نهادهای کارگری روبرو شد. از سندیکای واحد تا سندیکای هفت تپه، از کارگران گروه ملی فولاد تا کانون صنفی معلمان، از شورای بازنشستگان ایران تا گروه اتحاد بازنشستگان از دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان تا فراخوان گروهی شانزده تشکل و کارگران و فعالین کارگری سندج، از اطلاعیه های پشتیبانی احزاب چپ و کمونیست تا اتحادیه ها و فدراسیونهای بین المللی کارگری بخشی از موج گسترده حمایت از این مبارزات است.

بدون تردید اعتصاب سراسری کارگران نفت و پتروشیمی و این موج گسترده از حمایت و همبستگی غرور آفرین هستند. بدون تردید کارگران اعتصابی در جریان این نبرد طبقاتی درسهای فراوانی خواهند آموخت. آنها به قدرت طبقاتی خود پی خواهند برد و در طول همین چند روز گذشته به اهمیت این درسهای پی برده اند. بیانیه دوم و سوم "شورای سازماندهی اعتراضات" به درستی روی پاره ای از این آموزشها انگشت گذاشته است. آنان نوشتند که "اکنون چند ده هزار از همکاران ما در اعتصابند و همکاران رسمی مان نیز در نهم تیر ماه دست به تجمع خواهند زد. ضمن اینکه در همین



بیانیه‌های

کارگران پیمانی نفت در پالایشگاه‌ها،

پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها:

اعتصاب سراسری میکنیم!

بیانیه اول

سه شنبه ۱ تیر ۱۴۰۰

ما کارگران پیمانی نفت در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها در اعتراض به سطح نازل حقوقها و کاهش هر روزه قدرت خرید خود و عدم اجرای وعده‌های داده شده همانطور که اعلام کرده بودیم اعتصابات گسترده و سراسری خود را از سر میگیریم و با تجمع در مقابل مراکز کاریمان پیگیر مطالبات خود میشویم. در همین راستا روز ۲۹ خرداد همکاران پروژه ای ما در شرکت فراب نیروگاه بیدخون با مطالبه ی افزایش دستمزدها و خواست ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی که اصطلاحاً طرح بیست ده نامیده میشود دست به اعتصاب زده و به صورت جمعی نیروگاه را به قصد خانه های خود ترک نمودند. این کارگران اعلام کرده اند که تا زمانیکه به خواسته های آنان پاسخ داده نشود به نیروگاه بازخواهند گشت.

اعتصاب ما یک اعتصاب اختطاری است و یک هفته در جریان خواهد بود و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود که اعلام اعتراض کرده اند خواهیم پیوست. ما در این یک هفته ی اعتراضمان با جمع شدن در محل های کار خود تلاش میکنیم که تصمیم گیری جمعی بکنیم و صدای خود را به گوش همکاران کارگرممان در همه جا برسانیم.

خواستهای اعلام شده ما عبارتند از:

- مزد هیچ کارگر شاغل در نفت نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد و باید فوراً سطح دستمزدها افزایش یابد و به نسبتی که قیمت اجناس افزایش می یابد سطح مزد کارگران نیز بالا رود. بعلاوه سایر سطوح مزدی کارگران باید بر اساس توافق با نمایندگان منتخب کارگران صورت گیرد.

- تعویق پرداخت دستمزدها جرم و یک دزدی آشکار است. حقوقها باید هر ماه بموقع پرداخت شود.

• ما به کار موقت و پیمانی اعتراض داریم و خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و داشتن امنیت شغلی و دایمی شدن قراردادهای کاری مان هستیم. اخراج کارگر ممنوع.

• قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی که حصار می بین ما و بخش های دیگر کارگری در سطح جامعه است و بر اساس آن کارفرمایان مفتخور دستشان برای هرگونه تعرضی به زندگی و معیشت ما باز گذاشته شده است، باید فوراً لغو شوند.

• ما خواستار ایمن شدن محیط کارمان هستیم. محیط های کار ما مثل یک بمب انفجاری است و حریق های مهیب، سقوط از ارتفاع، آلودگی های صوتی در اثر انفجار مواد نفتی، استشمام مواد سمی و شیمیایی در کنار غیر استاندارد بودن وضع بهداشت و درمانگاهها، دارد هر روز از ما قربانی میگیرد و سبب صدمات جانی و روحی بسیاری به کارگران شده است. کار در گرمای طاقت فرسای تابستانی و نبود تجهیزات لازم سرمایشی و دستگاههای تهویه هوای استاندارد فشار کار را صد چندان کرده است. صنعت نفت یک بخش بزرگ سودآور جامعه است. باید مراکز کاری ما امن باشد و بالاترین استانداردهای محیط زیستی مجهز باشد. باید در صنعت نفت بودجه کافی برای ایمن شدن محیطهای کار و تجهیز مراکز کاری به امکانات سرمایشی و گرمایشی مورد نیاز و دستگاههای تهویه هوا به میزان مورد نیاز، بالا بردن استاندارد بهداشتی در خوابگاهها و اماکن عمومی چون دستشویی ها و حمام و ... اختصاص داده شود.

• ما کارگران نفت از امنیتی بودن محیط های کارمان به ستوه آمده ایم و باید به این وضعیت خاتمه داده شود. تشکل و تجمع و اعتراض حق مسلم ماست.

• در خاتمه حمایت قاطع خود را از همکاران رسمی مان در نفت که اعلام کرده اند چنانچه به خواستههایشان جواب داده نشود در نهم تیر دست به اعتراض خواهند زد و فراخوانشان به تجمع در آن روز است، اعلام میکنیم.

خواستهای بر شمرده ما خواستههای همه کارگران نفت از جمله همکاران رسمی ما نیز هست. بعلاوه این همکاران به نحوه افزایشات مزدی سال ۱۴۰۰ که در واقع تعرضی به زندگی و معیشتشان است، تحمیل مالیات های سنگین بر حقوقهایشان و عدم اجرایی شدن ماده ده و در نتیجه آن حذف برخی از آیتم های مزدی شان اعتراض دارند. محور اعتراض همکاران رسمی همچون ما کارگران پیمانی موضوع دستمزد و عدم کفاف آن برای مخارج زیستی و معیشتی مان است و افزایش سرسام آور قیمت اجناس و یک قلم بزرگ آن مسکن و محرومیت از بیمه های پایه ای چون درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن فشار زندگی را برای ما و همه مردم در جامعه دشوار و مشق بار کرده است. ما خواهان تحقق این حقوق پایه ای و برخورداری از درمان و تحصیل رایگان برای همه مردم هستیم. زندگی شایسته انسان حق همه ما مردم است.

شورای سازماندهی

اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۳۰ خرداد ۱۴۰۰

بیانیه دوم شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعتصاب تا گرفتن مطالباتمان ادامه دارد!

ما کارگران پیمانی نفت در پالایشگاهها، پتروشیمی‌ها و نیروگاهها، همانطور که اعلام کرده بودیم از ۲۹ خرداد وارد اعتصاب شدیم. اکنون چند ده هزار از همکاران ما در اعتصابند و همکاران رسمی مان نیز در نهم تیر ماه دست به تجمع خواهند زد. ضمن



بیشترین حمایت ها و پشتیبانی ها را داریم. از جمله به اخراج هفتصد همکار ما اعتراض کنید و خواستار بازگشت آنان به کارشان باشید. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۵ تیر ۱۴۰۰

بیانیه سوم شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

با اتحادمان دسیسه‌های پیمانکاران
مفتخور علیه اعتصابمان را خنثی
می‌کنیم!

در حالیکه اعتصابات سراسری ما کارگران نفت با قدرت به جلو می‌رود، کارفرمایان و پیمانکاران مفتخور مرتباً بدنبال دسیسه‌گری و توطئه علیه ما هستند. بنا بر خبرها آنها نیز رایزنی‌های سراسری خود را دارند تا برای عقب زدن اعتصاب ما کارگران هماهنگ کار کنند. ما هم بر سر خواسته‌هایمان ایستاده‌ایم. دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد و میزان رده‌های مختلف مزدی باید بنا بر تخصص کارگر و در هماهنگی با خود کارگران تعیین شود. دستمزدها باید بموقع پرداخت شوند و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی مطالبه فوری ماست. با این خواسته‌ها کاری می‌کنیم که دست پیمانکاران کوتاه شود و قوانین ویژه اقتصادی و پادگانی در محیط‌های کارمان کنار زده شود. همانطور که در بیانیه دوم اشاره کردیم یک توطئه کارفرمایان اخراج‌هاست. در برخی مناطق نفتی ما کارگران در محیط کار و خوابگاه‌هایمان باقی مانده‌ایم تا مستقیماً پیگیر مطالباتمان باشیم و اجازه ندهیم که در نبود ما کارفرمایان دسیسه‌گری کنند و دست به اخراج بزنند. همچنین بتوانیم با همکاران دیگرمان هم نظری و تصمیم‌گیری جمعی کنیم و هر جا که ممکن و لازم بود برای پیگیری خواسته‌هایمان تجمعاتی داشته باشیم. اما کارفرمایان با قطع آب و غذا و دسترسی به سرویس برای رفتن به شهر و تهیه نیازهای غذایی مان دارند فشار می‌آورند که خوابگاه‌ها را تخلیه کنیم. تا بعد در عدم حضور ما برای پیشبرد پروژه‌هایشان نیروی جدید به کار گیرند. در کنار این سیاست در جاهایی چون اورهال

در تصمیم‌گیری‌ها برای پیشبرد اعتراضاتمان دخالت داشته باشیم. بعلاوه خود شاهد بوده‌اید که در برخی از مراکز که همکاران ما کار را ترک کرده و به خانه رفته‌اند، کارفرمایان بیرحم کارگران روزمزد را اخراج و در تدارک بکارگیری نیروی جدید کاری هستند. بنابراین اگر در خوابگاه‌ها بمانیم کارفرما مکانی برای اسکان نیروی کاری جدید نخواهد داشت و در عین حال با حضور ما جرات نخواهد کرد دست به اخراج و چنین توطئه‌هایی بزند. از همین روز توصیه ما اینست که بعد از یک هفته دیدار با خانواده به محیط کار بازگردیم و در محل حاضر باشیم و به اعتصاب خود ادامه دهیم. از جمله حضور هر روزه ما در مقابل پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها فشاری بیشتری برای پیگیری خواسته‌هایمان خواهد بود. ۷۰۰ نفر از همکاران روزمزد ما در پالایشگاه تهران دستگیر شدند. باید خواست بازگشت به کار آنها و دیگر همکاران اخراجی را به مطالباتمان اضافه کنیم. اعتصاب ما سراسری است و هرگونه تعرضی به این اعتصاب باید با صف متحد مبارزاتی ما پاسخ گیرد. علاوه بر افزایش دستمزد ما خواستار بیست روز کار و ده روز مرخصی هستیم تا ما که به دور از خانواده و در این شرایط اسفناک کاری به کار اشتغال داریم، بتوانیم در فرصت‌های مناسب کنار خانواده‌هایمان باشیم و از لذت روزهای بزرگ شدن فرزندانمان محروم نمانیم. بعلاوه ما کارگران پیمانی امنیت شغلی نداریم. امنیت جانی نداریم و از پایین‌ترین شرایط زیستی و کاری برخورداریم. وضع خوابگاه‌ها و بهداشت در محیط‌های زیستی و کاری بسیار وخیم است. و قوانین مناطق ویژه اقتصادی فقط و فقط در خدمت قلدری سرمایه‌داران مفتخور و بردگی بیشتر ما کارگران است. ما خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهایمان، لغو قوانین ویژه اقتصادی و پایان یافتن فضای امنیتی و پادگانی حاکم در محیط‌های نفتی هستیم. ما برده نیستیم و داشتن یک زندگی درخور انسان حق مسلم ماست. در آخر حرف و سخن ما با مردم است. تشکر می‌کنیم از هم طبقه‌ای‌هایمان در نیشکر هفت تپه، و تشکلهای کارگری و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان که تا کنون با بیانیه‌های خود ما را حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. این همبستگی‌ها بدون شک نقطه قدرتی برای ما کارگران نفت است. خواست افزایش دستمزد فقط مطالبه ما کارگران نفت نیست، میدانیم که همه کارگران، معلمان، بازنشستگان و حقوق‌بگیران جامعه همین مطالبه را دارند. و همینطور دیگر مطالبات ما، بنابراین انتظار

اینکه در همین مدت در مناطقی چون فازهای ده تا ۱۴ عسلویه آنها را همراه خود داشته‌ایم. تا همین جا خوب آمده‌ایم و به همه همکارانمان درود می‌گوییم. دوستان خواست محوری ما کارگران نفت چه رسمی و چه غیررسمی افزایش دستمزدهاست. دیگر ما کارگران فقر، بی‌تامینی، تبعیض و نابرابری و محرومیت از اولیه‌ترین حقوق انسانی مان را بر نمی‌تابیم. همانطور که اعلام کرده‌ایم با توجه به گرانی سرسام‌آور اجناس دستمزد هیچ کارگری امروز نباید از دوازده میلیون کمتر باشد. ضمن اینکه حق همکاران ماست که متناسب با سطوح تخصص کاری خود دستمزدشان افزایش یابد. همکاران رسمی ما نیز اعتراضشان به کاهش هر روزه قوت خریدشان و نحوه افزایشات مزدی سال ۱۴۰۰ است که در واقع تعرضی به زندگی و معیشتشان است. همکاران عزیز! اتحاد مبارزاتی ما و پیوستن به اعتصاب در چنین سطحی بسیار غرور آفرین است و به همه دست‌میزاد می‌گوییم. اما باید تلاش کنیم که این اتحاد را در شکل پیش‌برد اعتراضاتمان نیز داشته باشیم. باید با دخالت حداکثری خود در پیشبرد مبارزه جلوی هر نوع تفرقه افکنی و دسیسه‌گری را بگیریم. نباید ریش و قیچی را دست‌شمار معینی از افراد که اینجا و آنجا اعلام کمپین می‌کنند بدهیم و همه تصمیم‌گیری را به آنها بسپاریم و خود راهی خانه شویم. بلکه چه با حضور در محل و ماندن در خوابگاه‌ها و برنامه‌ریزی برای تجمعات اعتراضی در مقابل پالایشگاه‌ها و مراکز نفتی و چه از طریق حضور فعال در گروه‌هایی که در مدیای اجتماعی داریم هر روزه در جریان تصمیم‌گیری در چگونگی پیشبرد مبارزه مان، فعالانه دخالتگر باشیم. این درس مهمی است که از کارگران نیشکر هفت تپه آموختیم و باید بدانیم که تنها به این صورت و با تصمیم‌گیری شورایی و جمعی است که میتوانیم جلوی تفرقه افکنی‌ها و زد و بند‌های احتمالی و از بالای سرمان را بگیریم. نگذاریم که باز ما را با وعده و وعید سر بدوانند و همانطور که اخطار کرده‌ایم اگر تا آخر برج ۵ به خواسته‌هایمان پاسخ داده نشود، در تدارک ادامه گسترده تر اعتراضاتمان باشیم. همکاران عزیز! در اعتصاب این چند روز بخشی از همکارانمان دست به اعتصاب زده و محل کار خود را ترک کرده و به خانه‌ها بازگشته‌اند، اما بخشی دیگر مثل ما که در اعتصاب هستیم ولی در خوابگاه‌ها مانده‌ایم. دلیلش اینست که میخواهیم خود با حضور حداکثری پیگیر مطالباتمان باشیم. میخواهیم

پالایشگاهها نیز از قوانین این تشکل "کارگری" تبعیت کنند. با این توجیه که به اصطلاح شورای اسلامی ای که تشکیل میشود بتواند از کارگران در مقابل کارفرما و پیمانکار حمایت کند. تا همین جا معلوم شد که در این جلسه پشت پرده چه گذشته است.



از هم اکنون اعلام میکنیم که تشکیل شورای اسلامی و سرهم کردن هر نوع تشکلی تحت عنوان تشکل "مستقل" کارگری در هیات دولت اقدامی علیه ما کارگران بوده و جواب ما کارگران نیست. کارنامه شوراهای اسلامی و تشکلات دست سازی از این دست برای کارگران روشن است. اینها همواره ابزار کنترل ما کارگران و خدمت دهی به کارفرمایان بوده اند و خواهند بود. ۴۰ هزار نیروی حراست که در صنایع نفتی مستقر هستند بس نیست که شورای اسلامی را هم میخواهید به آن اضافه کنید.

ما کارگران نفت همانند همکارانمان در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و دیگر مراکز کارگری قاطعانه اعلام میکنیم که به ایجاد شورای اسلامی در نفت تن نمیدهیم. شورای سازماندهی اعتراض تشکل مستقل و واقعی ما کارگران است و هر کارگری که امرش تشکل و اتحاد کارگری باشد باید تقویت کننده این تشکل و تشکلهایی از این نوع باشد. نه دنبالچه شورای اسلامی.

شورای سازماندهی اعتراض صدای ما کارگران نفت است و نماد اتحاد و همبستگی کارگران است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تا همین جا با استقبال خوبی در میان کارگران روبرو شده است. خواستها و مطالبات شورا علنا اعلام شده است و کارگران پاسخ میخواهند. شورایمان خواستها و مطالبات خود را صراحتاً اعلام کرده و پاسخ میخواهیم. در اینجا یکبار دیگر این خواستها را اعلام میکنیم. کارگران بر ادامه اعتصاب تا افزایش فوری دستمزدها تاکید دارند.

شورای سازماندهی

اعتراضات کارگران پیمانی نفت،

۱۲ تیر ۱۴۰۰

همچنان برای تصمیم گیری جمعی و پیگیری متحدانه مبارزاتمان خواهیم کوشید و اگر تا برج ۵ پاسخ نگیریم، مطمئناً در اشکالی گسترده تر اعتراض خود را به جلو خواهیم برد. آخرین نکته اینکه باید کارگر اعتصابی آزاد باشد که در خوابگاه بماند یا محل را ترک و به خانه رود. از همین رو خوابگاهها باید از نظر آب، غذا و سیستم های لازم بهداشتی و دستگاههای تهویه هوا و سرمایشی مجهز شوند و امکان اقامت کارگران در خوابگاه ها فراهم شود. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۶ تیرماه ۱۴۰۰

بیانیه شماره ۴ شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

تشکیل شورای اسلامی خواست ما نیست!

دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد!

افرادی از کمپین ۲۰-۱۰ با تعدادی از مسئولان دولت ابراهیم رئیسی و از جمله با سعید جلیلی دیدار داشته و ظاهراً بر سر مسائل و مشکلات ما کارگران که صدای اعتراضمان از شرایط اسفناک زیستی و معیشتی که داریم بلند شده است بحث و گفتگو داشته اند.

به گفته یکی از افراد شرکت کننده در این جلسه قرار است در ابتدای کار دولت ابراهیم رئیسی جلسه دیگری بر سر همین موضوع با حضور وزرای کابینه وی برگزار شود و احتمال این را داده اند که اداره کار عسلیویه با تغییراتی اساسی از زیر نظر پارس جنوبی خارج شود و به عنوان شورای اسلامی کار فعالیت نماید. بعد

عسلیویه به برخی کارگران فشار آورده اند و گفته اند بنا بر قانون شما باید کار ناتمام در پروژه را تمام کنید و بعد به اعتصاب پیوندید وگرنه باید تسویه حساب کنید و اخراج هستید و به این ترتیب تلاش میکنند این کارگران را از اعتصاب جدا کنند. کار دیگرشان در مراکز اعتصابی نفتی برگزاری جلسات از سوی مقاماتی از حکومت و امام جمعه ها با کارگران است. از جمله در جاهایی خبر هست که از کارگران خواسته اند که برای گفتگو در مورد مشکلاتشان نمایندگان تعیین کنند و بعد در این جلسات با گفتن اینکه حق شماست اعتصاب کنید و خواستار افزایش حقوقهایتان شوید. این تقصیر دولت نیست که سطح دستمزدها پایین است بلکه پیمانکاران فقط درصد بسیار کوچکی از پول دریافتی از دولت را به کارگر میدهند و باید حقتان را از آنها بگیرید، بطور ضمنی تهدید کرده اند که نباید تجمعی صورت گیرد و اگر تجمع شود موضوع از سطح مطالبه گری فراتر رفته و سیاسی میشود و تاکید اکیدشان بر پرهیز از کشاندن اعتراض به خیابان بوده است.

این خبرها نشانگر قدرت اعتصاب ما کارگران نفت است. جالب است در حالیکه در روزهای آغاز اعتصاب ما کارگران با نبود وسایل نقلیه برای رفتن به خانه ها روبرو بودیم و بلیط نایاب بود. امروز اتوبوس های بسیاری به مراکز نفتی در رفت و آمد هستند تا کارگران را انتقال دهند که مبادا با باقی ماندن کارگران در محل تجمعات اعتراضی ای شکل گیرد.

این اخبار تاکیدی بر حفظ اتحاد و همبستگی سراسری ماست و در عین حال تاکید بر اینست که خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی نفت را باید به لیست مطالباتمان اضافه کنیم. باید در مقابل همه این تعرضات متحدانه بایستیم. اخبار توطئه گری های کارفرمایان را وسیعاً رسانه ای کنیم و در برابر هر تعرضی سراسری بایستیم. اگر در جایی همکار ما را تحت عنوان اینکه باید کار خود را در پروژه تمام کند و بعد اعتصاب کند، تهدید به اخراج میکنند، باید پاسخ دوستان این باشد که اعتصاب ما سراسری است و ما به شرط و شروط شما تن نمیدهیم. و اگر اخراجمان کنید با اعتراض چندین هزار کارگر نفت که وارد اعتصاب شده اند طرف خواهید بود.

همچنین باید قاطعانه اعلام کنیم که حتی اگر همه ما کارگران ناگزیر شویم که بخاطر نبود آب و برق و تسهیلات زیستی خوابگاهها را ترک و به خانه هایمان برگردیم باز جمع خواهیم بود و از طریق گروههای خود در مدیای اجتماعی



چرا اعتصاب کردیم گفتگو با یک کارگر اعتصابی در عسلویه

۲۰ روز کار و ده روز مرخصی تغییر یابد. این‌ها خواسته‌های اصلی است. این را هم بگویم وقتی من به همکاران کارگرم مثلا در تهران می‌گویم ما ۶ روز در ماه مرخصی داریم، می‌گویند خوب این که خیلی خوب است؛ ۶ روز مرخصی در ماه! اما نمی‌دانند که ما اینجا چه می‌کشیم. کار و شرایط اینجا را نمی‌دانند. وضع کمپ‌های اینجا، گرمای کشنده و از هزار مشکل دیگر در اینجا خبر ندارند. مثلا نمی‌دانند که من مجبورم بعد از کار روزانه، به مدت طولانی با تینر، گرده‌های رنگ را که به مخاط بینی‌ام چسبیده را پاک کنم و تازه بعد از آن سردرد شدید شروع می‌شود که گاهی تا سه ساعت ادامه می‌یابد.

می‌توانی بطور تقریبی بگویی که کلا تعداد کارگران پیمانی در عسلویه چقدر است و چه درصدی از کارگران در اعتصاب شرکت کرده‌اند. آیا برآوردی از نسبت کارگران خدماتی و نیمه‌ماهر و ماهر که از آنها صحبت کردی داری؟

تعداد دقیق کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانی در عسلویه را نمی‌دانم، اما برآورد من این است که بین ۸ تا ۱۰ هزار کارگر بطور پیمانی و یا پروژه‌ای در عسلویه کار می‌کنند و یا بهتر است بگویم که کار می‌کردند، چون الان در اعتصاب به سر می‌برند. اما در رابطه با نسبت بین گروه‌های کارگری، شاید بهترین کار این باشد که من از کمپی که در آن هستم شروع کنم، آن وقت یک تصویر کلی به دست می‌آید. در این کمپ حدود ۴۰۰ نفر ساکن هستند. از اینها حدود ۲۰۰ نفرشان کارگران ماهر هستند. حدود ۱۵۰ نفر کارگر نیمه‌ماهر و بقیه یعنی حدود ۵۰ نفر نیز کارگران خدماتی هستند. این تناسب در کمپ‌های دیگر هم تقریباً به همین گونه است. بنابراین می‌توانم بگویم که کارگران ماهر و نیمه‌ماهر تقریباً ۹۰ درصد کارگران را تشکیل می‌دهند.

از همان اوایل اعتصاب بیش از ۹۰

برایش اعتصاب کرده‌اید، افزایش دستمزدهاست. سطح دستمزد کارگران شرکت‌های پیمانی بطور تقریبی چقدر است؟

اول این را بگویم که در آغاز اعتصاب بعضی‌ها از سر بی‌اطلاعی، خبرهایی پخش کردند مبنی بر اینکه یکی از خواسته‌های ما افزایش دستمزد تا ۱۲ میلیون تومان است، که درست نبود. البته بعداً اصلاح شد و گفتند که این عدد، کف درخواست افزایش دستمزدهاست. همچنین خبر نادرست دیگری هم پخش شد که باز هم ناشی از بی‌اطلاعی بود. گفته شده بود که کارگران پیمانی پالایشگاه نفت در عسلویه نیز به اعتصاب پیوسته‌اند. این در صورتی است که اصلاً در عسلویه پالایشگاه نفت وجود ندارد. اینجا پالایشگاه‌های گاز و انواع و اقسام شرکت‌های پتروشیمی فعالیت می‌کنند. در پاسخ به پرسش تو باید بگویم که در این شرکت‌های پیمانی سه گروه و یا سه رده شغلی از کارگران مشغول به کارند: اول کارگران خدماتی یا کارگران ساده که شامل به اصطلاح نظافت‌گران هم می‌شود. دستمزد اینها ۴/۵ میلیون تومان است. اینها می‌خواهند که حقوق‌شان به ۸ میلیون تومان افزایش یابد. دوم کارگران نیمه‌ماهر مانند کارگران ابنیه هستند که حقوق‌شان بین ۷ تا ۸ میلیون تومان است. اینها می‌خواهند که حقوق‌شان به ۱۲ میلیون تومان افزایش یابد. و سوم کارگران ماهر، مانند جوشکارها یا کارگران تاسیسات است و یا کاری که من انجام می‌دهم یعنی رنگ‌کاران قسمت اورهال که دستمزدشان ماهانه حدود ۱۳ میلیون تومان و یا بیشتر است. اینها درخواست‌شان افزایش دستمزد به ۱۷ میلیون تومان است. لازم است تاکید کنم که خواست ما این است که این حقوق باید جدا از مزایا باشد، یعنی مزایا جزو حقوق ثابت به حساب نیاید. خواست دیگر ما تناوب بین کار و مرخصی است. در حال حاضر ما ۲۴ روز در ماه کار می‌کنیم و ۶ روز مرخصی داریم. خواست ما این است که این تناوب به

آنچه در ذیل می‌خوانید متن گفت و گوی یکی از فعالین اتحاد بین المللی با یک کارگر اعتصابی شاغل در شرکت پیمانی در منطقه عسلویه است که توسط اتحاد بین المللی انتشار یافته است. گفتگو از طریق تماس تلفنی انجام گرفت و ضبط شد. سپس متن نوشتاری آن تهیه و برای ملاحظه و احتمالاً اصلاح و تغییر برای ایشان ارسال شد که حاصل نهایی آن رفت و برگشت‌ها متن زیر است. به دلیلی که نیاز به گفتن ندارد، ایشان نخواست که نام واقعی گفتگو کننده آورده شود و ما نیز درست ندیدیم که متن را با نام مستعار منتشر کنیم.

از اینکه پذیرفتی تا با هم گفتگو کنیم، تشکر می‌کنم. از خودت بگو؛ چند سال است در عسلویه کار می‌کنی و شغلت چیست؟

من هم از شما تشکر می‌کنم به خاطر این گفتگو. حدود ۵ سال در عسلویه کار کرده‌ام؛ یک دوره سه ساله و یک دوره دوساله، و الان هم حدود چند ماه است که برگشته‌ام و با یک شرکت پیمانی کار می‌کنم. کارم رنگ‌زنی قسمت اورهال است که کار تخصصی محسوب می‌شود. در این پنج سال با شرکت‌های پیمانی مختلف کار کرده‌ام و در کمپ‌های مختلف بوده‌ام. شاید فکر کنی که پنج سال کار کردن در این منطقه، سابقه کاری زیادی نیست، ولی باید در نظر بگیری که با توجه به شرایط کار، وضعیت کمپ‌ها و گرمای سوزان منطقه، پنج سال، زمان زیادی است و شاید یک سابقه کاری متوسط در اینجا به حساب بیاید. فقط یک نفر را می‌شناسم که سابقه کارش حدود بیست سال است. اسمش آقای رحیمی است و انسان بسیار محترمی است. به خاطر همین سابقه و شخصیت‌اش اسم یکی از کمپ‌ها در این جا یعنی همان کمپی که او در آنجا زندگی می‌کند را گذاشته‌اند کمپ رحیمی.

یکی از خواسته‌های اصلی که

درصد کارگران به اعتصاب پیوستند. این رقم حالا به ۱۰۰ درصد رسیده است زیرا حالا دیگر همان چند درصدی که در روزهای اول به سر کار می‌رفتند دیگر نمی‌روند. به این دلیل که اصولاً دیگر کاری وجود ندارد. این کسانی که اوایل سرکار می‌رفتند بیشترشان از کارگران خدماتی بودند، کارگر ساده بودند و همانطور که گفتم پایین‌ترین حقوق را می‌گیرند و می‌ترسیدند که کارفرما اخراج شان کند و به راحتی کسان دیگری را به جای آنها استخدام کند. در این رابطه، یعنی رفتن عده‌ای از کارگران به سرکار، شاهد صحنه‌های بسیار آزاردهنده‌ای بودم: صبح زود سر ساعت ۶ در کمپ شاهد بودم که حدود ۱۵۰ نفر از کارگران، بطور دستجمعی کنار هم ایستاده‌اند و رو به چند نفری که هنوز سر کار می‌رفتند، داد می‌زدند "بی شرف، بی شرف". خیلی آزاردهنده و تاسف‌آور بود. ما را وادار کرده بودند که در مقابل هم بایستیم. آن فریاد زدن‌ها از طرف ۱۵۰ نفر از یک لحاظ اراده راسخ آنها به تداوم اعتصاب را نشان می‌داد اما از سوی دیگر بد بود، نادرست بود. چون این کارگرانی که به سر کار می‌رفتند واقعا به پول یک تخم مرغ محتاج بودند. بعدا که با آنها صحبت کردیم می‌گفتند ما می‌ترسیم، ما که مثل شما تخصص نداریم، کارفرما می‌تواند فوراً ما را اخراج کند و افراد دیگری را به جای ما استخدام کند. می‌گفتند ما دل‌مان با شماست و می‌خواهیم اعتصاب موفق شود. به هر حال همانطور که گفتم این‌ها هم بعدا سرکار نرفتند.

پیش از آنکه به اعتصاب بپردازیم می‌خواستیم بدانم اصولاً چه تعداد از این کمپ‌ها در منطقه عسلیویه وجود دارد و در هر کمپ چند نفر می‌خوابند و امکانات رفاهی و بهداشتی آنها چگونه است؟

تعداد کمپ‌ها خیلی است. از اینجا تا کنگان پراست از این کمپ‌ها. چند صد کمپ وجود دارد. تعداد کارگران ساکن هر کمپ متفاوت است. در بعضی از این کمپ‌ها حدود ۵۰۰ نفر کارگر ساکن هستند. در کمپ ما حدود ۴۰۰ نفر زندگی می‌کنند. امکانات کمپ‌ها حداقل هم نیست، چیزی در حدود صفر است. مثلاً کمپ ما شامل ۴۰ اتاق است. در هر اتاق ۹ نفر کنار هم بر روی کف اتاق که با موکت زبر و کهنه پوشیده شده می‌خوابیم. به هر نفر یک متر جا می‌رسد و هنگام خواب، ناخود آگاه پای یکی روی سر دیگری می‌خورد... در این

کمپ ۴۰۰ نفره فقط چهار سرویس بهداشتی و ۵ دوش وجود دارد. ساعت ۶ صبح می‌رویم سرکار و ساعت ۷ عصر، کار تمام می‌شود و تا برسیم به کمپ، می‌شود ساعت هفت و نیم عصر. حسابش را بکنید که بعد از یک روز کار طولانی آن هم در محیط‌های معمولاً آلوده حالا می‌خواهی لباس‌های عرق خورده‌ات را در بیآوری و در حمام، دوش بگیری. به هر نفر دو دقیقه هم وقت نمی‌رسد. وقتی یک نفر در حال دوش گرفتن است ده نفر دیگر در صف منتظر ایستاده‌اند و مرتباً از او می‌خواهند که زودتر تمام کند. تقصیر هم ندارند، تعداد دوش‌ها به نسبت این همه آدم خیلی کم است. این وضعیت امکانات کمپ‌هاست. گاهی وقت‌ها گزارش‌هایی که از وضعیت زندان‌ها می‌خوانم و یا می‌شنوم و آن را مقایسه می‌کنم با وضعیت خودمان در این کمپ‌ها، می‌بینم تفاوت زیادی بین این کمپ‌ها و آن زندان‌ها وجود ندارد. نمی‌دانم، شاید اصلاً وضع زندان‌ها بهتر باشد. این را هم اضافه کنم که علاوه بر کمپ‌های کارگری، در اینجا کمپ‌هایی هم برای مهندسان و کارمندان شرکت‌ها وجود دارد که وضعیت‌شان متفاوت است. امکانات خوبی دارند و معمولاً تعداد ساکنان در هر خوابگاه حدود ده نفر است.

با توجه به وضعیت کمپ‌ها و کمبود امکانات و یا نبود آن، رابطه کارگران با هم در این کمپ چه طور است؟

همان طور که گفتم صبح ساعت ۶ سوار سرویس می‌شویم و می‌رویم سر کار و عصر ساعت حدود هفت و نیم برمی‌گردیم به کمپ. تا دوش بگیریم، لباس‌های مان را بشوییم و شام بخوریم، زمان گذشته است. ساعت بین ۹ تا ۱۰ شب هم می‌گیریم می‌خوابیم، یا بهتر است بگویم که از فرط خستگی از پا می‌افتیم. البته بعضی موقع‌ها نیز با هم گپ می‌زنیم، شوخی‌ها و بگو و بخندهایی هم داریم.

وضع غذا چطور است؟

غذای کارگران به حساب کارفرماهاست. صبحانه معمولاً شامل نان و یک تکه کوچک پنیر یا یک بسته کوچک مربا و کره است. نهار تقریباً خوب است و سیر می‌شویم، و شام هم چطوری بگویم، زیاد بد نیست. تصور نکنی که سالن غذاخوری داریم. نه. غذا در کیسه‌های پلاستیکی به دستمان داده می‌شود و کارگران باید گوشه‌ای پیدا کنند و بنشینند و غذا

بخورند.

به اعتصاب برگردیم. اعتصاب چطور شروع شد؟ با توجه به اینکه کارگران پیمانی و یا پروژه‌ای در استخدام شرکت‌های مختلف هستند و در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های مختلف و تقریباً دور از هم کار می‌کنند، چگونه توانستید به طور همزمان و سراسری دست به اعتصاب بزنید؟

همانطور که می‌دانی اعتصاب از روز ۲۹ خرداد ماه شروع شد و جرعه آن را کارگران جوشکار زدند. کارشان جرعه زدن است دیگر. سال گذشته نیز این کارگران جوشکار بودند که اعتصاب را شروع کردند و توانستند به بخشی از خواسته‌هایشان برسند؛ مثلاً یک میلیون تومان به حقوقشان اضافه شد. درست است که کارگران در پالایشگاه‌ها و شرکت‌های مختلف کار می‌کنند اما ما با هم ارتباط داریم. بگذار یک مثال بزنم: برای نمونه خود من در شرکت‌های مختلف کار کرده‌ام و در طول این سال‌ها با کارگران مختلف که حالا در شرکت‌های دیگر در اینجا کار می‌کنند آشنا و دوست شده‌ام و با هم ارتباط داریم. به علاوه فعالین کارگری از کمپ‌های مختلف با یکدیگر تماس دارند، همدیگر را از نزدیک می‌شناسند و بطور کلی از وضعیت کاری در شرکت‌های مختلف اطلاع دارند. در کنار همه اینها تا همین چند مدت پیش ما یک کانال تلگرامی داشتیم که بالای ۴۰۰۰ نفر عضو داشت و تنها کارگران اینجا، آن هم با ارائه شماره پرسنلی خود می‌توانستند عضو شوند. الان هم گروه‌های مختلف تلگرام و واتساپ داریم. خب برای سازماندهی این اعتصاب، از همه این راه‌ها و امکانات و ارتباطات استفاده شده است. این را هم بگویم که وقتی کارگران وضعیت خود و همکاران خودشان را در سراسر منطقه می‌بینند، واضح است که احساس همبستگی و یکی بودن می‌کنند. وقتی سر کار به هم‌کارت می‌گویی که حال جسمی‌ام خوب نیست، دل‌درد و سردرد دارم و فکر می‌کنم که به خاطر غذایی است که به ما داده‌اند و او جواب می‌دهد که من هم از وقتی که آن غذا را خورده‌ام حالم خوب نیست و درد دارم، دیگر لازم نیست که حالا کسی بیاید و برایمان توضیح دهد که ما درد مشترک داریم. خود دردها، فریاد می‌زنند که مشترکند و علت مشترک دارند. بنابراین این سؤال برایمان پیش می‌آید که حالا باید برای این دردهای مشترک چه کاری انجام

که از او طلب داری چه می‌شود؟
اصولا چگونه بدون تسویه حساب به
شما گفته‌اند که اخراج هستید؟ اصلا
چرا حکم اخراج را بطور کتبی صادر
نکرده‌اند؟

اینکه چرا بطور کتبی یعنی رسماً حکم اخراج
را صادر نکرده‌اند دلیل‌شان این است که شرایط
عادی نیست و ما کارگران را مسئول بوجود
آمدن این شرایط می‌دانند. ناراحت و یا نگران
نیستم. به این راحتی نمی‌توانند ما را اخراج کنند.
در رابطه با مورد خودم به دلیل تخصصی که
دارم می‌دانم بعد از اعتصاب حتی اگر کارفرمای
کنونی اخراجم کند، به راحتی در شرکت دیگر
کار پیدا می‌کنم. این‌ها به ما احتیاج دارند. در
رابطه با تسویه حساب هم باید بگویم خود آن
یک روند بوروکراتیک دارد که باید طی شود،
ولی به هر حال مجبور هستند که طلب‌ها را
پرداخت کنند.

غیر از قطع غذا و آب و اخراج
کارگران، شرکت‌های پیمانی چه
واکنش دیگری نسبت به این اعتصاب
داشته‌اند؟ فکر می‌کنی چه برنامه‌ای در
دستور کار خود داشته باشند؟

شاید جالب باشد که در همان روزهای اول
اعتصاب، نمایندگان این شرکت‌های پیمانی
با ما تماس گرفتند و خواستند که دست از
اعتصاب بکشیم. مثلا در شرکتی که من کار
می‌کنم مدیر عامل شرکت آمد و گفت این
اعتصاب به ضرر خود شماست. گفت هدف
این است که شرکت‌های خصوصی را از این
طریق از سر راه بردارند. گفت به طور مثال ما
اگر نتوانیم کارها را طبق برنامه زمانی به دلیل
همین اعتصاب‌ها به اتمام برسانیم آن وقت
دیگر نمی‌توانیم در مناقصه‌های دیگر شرکت
کنیم و کارهایی را که الان ما انجام می‌دهیم
به طور کلی می‌افتد به دست سپاه پاسداران و
وزارت دفاع و شما کارگران با سپاه سر و کار
خواهید داشت. خلاصه حرف اش این بود که
ما یعنی شرکت و کارگران می‌توانیم به نوعی
در مورد دستمزدها با هم کنار بیاییم و بنابراین
بهتر است اعتصاب را بشکنید. اما همانطور که
می‌دانی اعتصاب ادامه یافته و در حال گسترش
بوده است. اصولا با این استدلال‌ها نمی‌توانند
کارگران را وادار کنند که به این شرایط برده‌وار،
تن بدهند. اصولا اگر قرار باشد ما با این شرایط
و با این دستمزدها کار کنیم، برایمان



کارگران به من نمایندگی نداده‌اند تا در این
مورد با شما و یا هر شخص و یا ارگان دیگر
گفتگو کنم، اما نظر شخصی من این است که
اگر کارگران تصمیم بگیرند که راهپیمایی بکنند،
نه من و نه هیچ کس دیگر نمی‌تواند مانع‌شان
شود؛ مثل سیل می‌ریزند بیرون. خود من هم
اگر بیستم ۵۰ نفر کارگر در خیابان دست به
راهپیمایی زده‌اند و خواسته‌های مرا می‌گویند،
من هم به آنها می‌پیوندم.

در همان روزهای اول اعتصاب تعداد
زیادی از کارگران اعتصابی تصمیم
گرفتند که به جای ماندن در کمپ‌ها
به شهرستان‌ها و به طور کلی به
محل سکونت خود برگردند. آیا این
تصمیم درست بود؟ در حال حاضر
چه تعداد از کارگران هنوز در کمپ‌ها
مانده‌اند؟

به نظر من تصمیم خالی کردن کمپ‌ها، ترک
منطقه و برگشت به خانه اشتباه بود. کارگران
باید در کمپ‌ها می‌مانند و خواسته‌های خود
را همین جا دنبال می‌کردند. به دلایلی که
نمی‌توانم در اینجا به آن بپردازم در این مورد
هماهنگی وجود نداشت. به یک باره این نظر
پا گرفت که برای ادامه اعتصاب، بهتر است که
کارگران برگردند به محل سکونت‌شان. در همان
روزهای اول، موج ترک عسلویه شروع شد، به
نحوی که دیگر بلیط اتوبوس پیدا نمی‌شد. عده
ای از کارگران شب را در ترمینال می‌خوابیدند
که شاید روز بعد بتوانند برگردند. در همان
روزهای اول از ۴۰۰ کارگر در کمپ ما فقط
۲۵ کارگر در کمپ ماندند و همین حالا که
من با شما صحبت می‌کنم فقط ۹ نفر از ما باقی
مانده‌ایم. در کمپ‌های دیگر نیز وضعیت کم و
بیش همین گونه است. به علاوه، کارفرماها نیز
از همان آغاز اعتصاب، ارائه غذا را در کمپ‌ها
قطع کردند و کارگرانی که مانده بودند مجبور
بودند خودشان برای خود غذا بخرند. سپس
آب آشامیدنی کمپ ما و خیلی از کمپ‌های
دیگر را قطع کردند. الان هم کارفرما به نهبان
کمپ که در واقع سرایدار اینجا محسوب
می‌شده گفته که در عرض ۲۴ ساعت عذر ما
را بخواهد. من فردا دارم به عنوان مهمان نزد
دوستانم در یک کمپ دیگر می‌روم. در ضمن
کارفرما به طور شفاهی به من و عده‌ای دیگر
گفته که اخراج هستیم.

آیا از اینکه کارفرما گفته اخراج هستی
ناراحت و یا نگران نیستی؟ دستمزدی

دهیم. اعتصاب یکی از این کارهاست.
کارگران پیمانی نمی‌توانستند این
وضعیت را بیش از این تحمل کنند. به همین
دلیل دست به اعتصاب زده‌ایم

با توجه به این توضیحات، می‌توان
دریافت که این اعتصاب از نوعی
سازماندهی برخوردار بوده و هنوز
هم برخوردار است. پرسش این است
که چرا در این اعتصاب ما شاهد
تجمع‌های اعتراضی و یا راهپیمایی
توسط کارگران اعتصابی نبودیم؟ آیا
از همان ابتدا قرار بر این شده بود که
تجمع و یا راهپیمایی صورت نگیرد؟

تا آنجا که من می‌دانم چنین قراری گذاشته
نشده بود. بر عکس در همان اوایل اعتصاب ما
عده‌ای از فعالین کارگری در تدارک برگزاری
راهپیمایی و تجمع بودیم. اما فرصت نشد و
نتوانستیم. در همان زمان که ما در تدارک این
کار بودیم خبر به دلایلی که نمی‌دانم به بیرون
درز کرد. زیرا طولی نکشید که از سوی امام
جمعه اینجا به ما خبر دادند که او می‌خواهد
دیداری با نمایندگان کمپ‌های کارگری داشته
باشد. درخواست شده بود از هر کمپ یک و یا
دو نفر در این جلسه شرکت کنند. من به عنوان
نماینده از کمپ خودمان رفتم. حدود ۱۲ و
یا ۱۳ نفر نماینده از کمپ‌های دیگر هم آمده
بودند. بعد از تعارفات اولیه، امام جمعه گفت:
در این اعتصاب حق با شماست و من از حق
شما دفاع می‌کنم. دولت کلی به این شرکت‌های
خصوصی پول می‌دهد و اینها به جای اینکه
پولی را که بابت کار شما از دولت می‌گیرند به
شما بدهند، بخش زیادش را بالا می‌کشند. شما
هم اعتراض و اعتصاب کرده‌اید که حق دارید.
اما باید بدانید اگر به خیابان بیایید و راهپیمایی
کنید، به ضرر خود شما تمام خواهد شد. گفت
معاندین و رسانه‌های خارج از کشور مانند
بی‌بی‌سی و من و تو و... از این عمل شما
علیه نظام استفاده می‌کنند، شما نباید بهانه به
دست دشمنان بدهید. خلاصه اینکه هشدار داد
و تهدید کرد.

پاسخ شما به امام جمعه چه بود؟

به او گفتم من به عنوان نماینده کارگران
نمی‌توانم در این جا از سوی کارگران بگویم
که آنها قصد دارند راهپیمایی بکنند و یا نه،
چون چیزی از تصمیم آنها نمی‌دانم و بنابراین
نمی‌توانم در این مورد نظر بدهم. گفتم اصولا

یا هر ارگان دیگر نیز راه خودشان را بلدند. لطفاً اگر ممکن است از کم و کیف فعالیت اقتصادی در منطقه و شرایط امنیتی در عسلویه، در پالایشگاه‌ها و شرکت‌ها برایمان بگو. این منطقه به طور کلی از شمال به رشته کوه‌های زاگرس منتهی می‌شود و از جنوب هم به خلیج فارس می‌رسد. همانطور که در ابتدا گفتیم اساس فعالیت‌های اقتصادی حول گاز می‌چرخد و اینجا خبری از نفت نیست. در قسمت شمالی، یعنی در منطقه کوهستانی پادگان و قرارگاه‌های نظامی قرار دارند. یگانه ویژه را هم اینجا داریم. در جنوب هم، مرزبانی دریایی وجود دارد که مرزهای دریایی را کنترل می‌کند. پالایشگاه‌ها و شرکت‌ها هم هر کدام بخش حراست دارند که از جمله کارشان این است که با ماشین‌های تویوتا و موتور سیکلت‌های بزرگ هر از چند گاه مشغول گشت زنی هستند. در هر شرکت و یا پالایشگاه نیز دژبانی وجود دارد که ورود و خروج را کنترل می‌کند؛ مثلاً کارگران را بعد از اتمام کار و در موقع خروج، بازرسی می‌کنند تا چیزی را از شرکت بیرون نبرند. خلاصه این که در "امنیت کامل" به سر می‌بریم.

اعتصاب شما چه در ایران و چه در سطح بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته. اهمیت حمایت‌های داخلی به نظرم روشن است. همبستگی و حمایت‌های بین‌المللی تا چه میزان برایتان مهم بوده است و آیا اصولاً از آنها اطلاع می‌یابید؟

بله از این حمایت‌های جهانی نیز اطلاع پیدا می‌کنیم؛ چه از طریق شبکه‌های مجازی و چه از طریق دیگر رسانه‌ها. این حمایت‌ها برایمان خیلی اهمیت دارد. وقتی می‌شنویم که کارگران و تشکل‌های کارگری در آن سوی جهان متوجه شده‌اند که ما در اعتصاب هستیم و با ما اعلام همبستگی کرده‌اند، قوت قلب بیشتری می‌گیریم. این حمایت‌ها به ما روحیه می‌دهد.



اعتصاب کنندگان انجام می‌دهیم را نمی‌توانند جایگزین کنند. به علاوه کارهای تخصصی به هم ربط دارند. مثلاً در یک شرکت حتی اگر فیتربندها به سر کار برگردند اما به اندازه کافی جوشکار وجود نداشته باشد، کارها لنگ می‌ماند.

به یک عامل مهم دیگر هم باید تاکید کنم و آن اینکه درست است که ادامه اعتصاب برای ما کارگران که آه در بساط نداریم، خیلی سخت است، اما زبانی که هر روز اعتصاب ما به این شرکت‌ها و پالایشگاه‌ها می‌زند، ارقام‌اش نجومی است. اینجا پای سودهای میلیاردی در میان است. محصولات بعضی از این شرکت‌های پتروشیمی چند صد میلیون تن است که علاوه بر تامین نیازهای داخلی، صادر هم می‌شود و بنابراین منبع ارز خارجی است. اینها برای مدت طولانی نمی‌توانند از این سودها و درآمدهای نجومی صرف نظر کنند. هر ثانیه اعتصاب ما از لحاظ مالی زیان هنگفتی برای این‌ها به بار می‌آورد. بنا به همه این دلایل من خیلی خوشبین هستم. اگر اتحاد خودمان را حفظ کنیم قطعاً در این اعتصاب پیروز خواهیم شد.

همانطور که گفتی اکثر کارگران به محل زندگی خودشان برگشته‌اند و کمپ‌ها تقریباً خالی شده. حال اگر کارفرماها و یا دولت و یا هر ارگان دیگری بخواهد با شما مذاکره و گفتگو کند با چه کس و یا کسانی و چگونه باید تماس بگیرد؟

درست است که کارگران پیمانی، کمپ‌ها را خالی کرده و رفته‌اند، اما معنی‌اش این نیست که با همدیگر ارتباط ندارند. ما مسایل را دنبال می‌کنیم و از جمله از طریق شبکه‌های مجازی با یکدیگر تبادل نظر می‌کنیم. بنابراین، کانال ارتباطی بین کارگران وجود دارد و کارفرمایان و یا دولت هم می‌دانند که چگونه باید با ما ارتباط بگیرند. مانند همان امام جمعه‌ای که برای هشدار دادن نسبت به راهپیمایی، ما را پیدا کرد، دیگران یعنی کارفرمایان و یا دولت و

اصلاً مهم نیست که حالا کسانی که ما را استثمار می‌کنند چه کسانی هستند؛ سپاهی هستند و یا غیرسپاهی.

اعتصاب چه مدت ادامه خواهد داشت و تا چه حد انتظار داری که این اعتصاب با پیروزی شما به پایان برسد؟

اعتصاب همانطور که اعلام کرده‌ایم تا اول مرداد ادامه خواهد داشت. درباره موفقیت آمیز بودن اعتصاب، من خیلی خوشبین هستم. روحیه کارگران بطور باورنکردنی بالاست و اراده راسخ دارند که تا رسیدن به خواسته‌های خود به اعتصاب ادامه دهند. این اعتصاب، پیروزمند خواهد بود. من در این مورد تردید ندارم.

آیا برای این خوشبینی، غیر از روحیه بالای کارگران و اراده راسخ آنان، دلیل دیگری هم داری؟

بله. غیر از موضوع روحیه و عزم و اراده بالای کارگران، دلایل دیگری هم برای این خوشبینی دارم. همانطور که قبلاً اشاره کردم اکثر قریب به اتفاق کارگرانی که دست به اعتصاب زده‌اند، کارگران ماهر و یا نیمه‌ماهر محسوب می‌شوند. درست است که کارفرماها به دلیل موقت بودن قراردادهای ما از لحاظ حقوقی می‌توانند همه ما را اخراج کنند، اما بعد چه؟ ما که کارگران به اصطلاح ساده نیستیم که اینها ما را اخراج کنند و فردا یک آگهی برای استخدام بزنند و با توجه به سطح بیکاری، چندین برابر مورد نیاز خود درخواست تقاضای کار به دست‌شان برسد. در این کشور آن قدر کارگر متخصص و بیکار وجود ندارد که جایگزین ما بشود. یک مثال دیگر می‌زنم. کاری که من و همکاران من یعنی رنگ‌کاران قسمت اورهال انجام می‌دهیم را قبلاً کارگران فرانسوی در این جا انجام می‌دادند. و یا جوشکاری آرگون را تنها تعداد معینی در این کشور می‌توانند انجام دهند. بطور کلی بسیاری از کارهای تخصصی را که ما

نمایندگی کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

دبیرخانه

حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
dabirxane.cpi@gmail.com

آدرس‌های

حزب کمونیست ایران

و کومه له



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در ارتباط با اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی

و اعلام حمایت قاطع آنان از مطالبات کارگران رسمی نفت تحولی مهم برای جنبش کارگری ایران است. آنچه روشن است، از یک سو ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی، دستمزدهای پایین تر از خط فقر و شرایط سخت کار و زندگی و از سوی دیگر فضای سیاسی ایران زمینه های عینی و ذهنی اتحاد و همبستگی کارگران رسمی و کارگران پیمانکاری و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی ها را به رغم تفاوت میان نوع قرارداد و حقوق و مزایا فراهم آورده است. کارگران صنعت نفت بیش از سه دهه است در خط مقدم تعرض رژیم جمهوری اسلامی برای ارزان سازی نیروی کار قرار گرفته اند. طی این سال ها پروژه تفرقه اندازانه کارمند سازی کارگران صنعت نفت، بازخریدهای اجباری، سیاست بیکارسازی در این صنعت، واگذاری بخش زیادی از فعالیت ها و مشاغل صنعت نفت به شرکت های پیمانکاری، کنترل شدید اداره اطلاعات سپاه پاسداران بر کارگران در این مرکز صنعتی شرایط بسیار سختی را به کار و زندگی و مبارزه کارگران تحمیل کرده بود.

از این رو اعتصاب یکپارچه و هماهنگ و سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی و اعلام همبستگی آنها با کارگران رسمی صنعت نفت تحولی امیدوار کننده در جنبش کارگری ایران بحساب می آید. کارگران صنعت نفت با اعتصاب یکپارچه و متحدانه خود راه سازماندهی و برپائی اعتصاب سراسری کارگران را نشان می دهند. جنبش کارگری ایران فقط با اعتصابات سراسری است که می تواند تعرض همه جانبه کارفرمایان و حکومت سرمایه داری حامی آنان به کار و زندگی و معیشت کارگران را به عقب نشاند. تا کنون سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و جمعی از کارگران هفت تپه طی اطلاعیه هایی حمایت خود را از اعتصاب و مطالبات کارگران نفت اعلام داشته اند.

حزب کمونیست ایران ضمن پشتیبانی از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی و خواسته های برحق آنان، دیگر بخش های جنبش کارگری را فرا می خواند به هر شکلی که می توانند از اعتصاب و مبارزات کارگران صنعت نفت و پتروشیمی حمایت نمایند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲ تیر ۱۴۰۰

۲۳ ژوئن ۲۰۲۱



در پی فراخوان «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» در روز ۳۰ خرداد، روز سه شنبه اول تیر ماه اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت آغاز شد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی این فراخوان اعلام کرده اند: «ما کارگران پیمانی نفت در پالایشگاهها، پتروشیمی ها و نیروگاهها در اعتراض به سطح نازل حقوق ها و کاهش هر روزه قدرت خرید خود و عدم اجرای وعده های داده شده اعتصابات گسترده و سراسری خود را از سر میگیریم و با تجمع در مقابل مراکز کاریمان پیگیر مطالبات خود می شویم.» شورای سازماندهی این اعتصاب همچنین اعلام کرده است که «اعتصاب ما یک اعتصاب اختطاری است و یک هفته در جریان خواهد بود و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود که اعلام اعتراض کرده اند خواهیم پیوست».

کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی مطابق تصمیم جمعی، مطالبات خود را به شرح زیر اعلام کرده اند.

- «مزد هیچ کارگر شاغل در نفت نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد و باید فوراً سطح دستمزدها افزایش یابد و به نسبتی که قیمت اجناس افزایش می یابد سطح مزد کارگران نیز بالا رود. بعلاوه سایر سطوح مزدی کارگران باید بر اساس توافق با نمایندگان منتخب کارگران صورت گیرد.

- تعویق پرداخت دستمزدها جرم و یک دزدی آشکار است. حقوقها باید هر ماه بموقع پرداخت شود.

* ما به کار موقت و پیمانی اعتراض داریم و خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و داشتن امنیت شغلی و دایمی شدن قراردادهای کاری مان هستیم. اخراج کارگر ممنوع.

* قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی که حصار بی بین ما و بخش های دیگر کارگری در سطح جامعه است و بر اساس آن کارفرمایان مفتخور دستشان برای هرگونه تعرضی به زندگی و معیشت ما باز گذاشته شده است، باید فوراً لغو شوند.

* ما خواستار ایمن شدن محیط کارمان هستیم

* ما کارگران نفت از امنیتی بودن محیط های کارمان به ستوه آمده ایم و باید به این وضعیت خاتمه داده شود.

- تشکل و تجمع و اعتراض حق مسلم ماست.

* ما خواهان برخورداری از درمان و تحصیل رایگان برای همه مردم هستیم».

کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی در پایان حمایت قاطع خود را از کارگران رسمی نفت اعلام کرده اند. اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی در شرایطی آغاز شده است که موج دوم اعتصاب و تجمع های اعتراضی کارگران رسمی صنعت نفت که در پنجم خرداد ماه سال جاری شروع شد، پالایشگاههای تهران، اهواز و آبادان و چندین مرکز دیگر را در بر گرفت. کارگران رسمی نفت در اعتراض به نحوه افزایش دستمزد سال ۱۴۰۰ و پیگیری دیگر مطالباتشان با شعار «بترسید، بترسید ما همه با هم هستیم» تجمع های اعتراضی و راهپیمائی خود را برپا کردند.

اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



با همه نیرو از اعتصابات سراسری کارگران نفت حمایت کنیم!

اسلامی از هر سو به حرکت درآمده است، در وضعیتی که گل مزده های اعتصابات سراسری کارگری در گردان های رزمنده کارگران نفت گل داده اند، در شرایطی که هیئت حاکمه ایران از هر سو در گرداب بحران های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرو رفته است، در شرایطی که جامعه آبستن یک تحول انقلابی اجتماعی است و علاوه بر همه این ها، توده های مردم ایران با بایکوت عمومی نمایش انتخاباتی، گامی بزرگ در مسیر تحقق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی برداشته اند، طبقه سرمایه دار حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن که از گسترش و سرایت این اعتصابات به سایر مناطق کارگری به شدت وحشت کرده اند، در اقدامی سرکوبگرانه حکم اخراج ۷۰۰ تن از کارگران پالایشگاه تهران را صادر کرده است. اقدامی جنایتکارانه که نه فقط از طرف طبقه کارگر ایران، تشکل های مستقل کارگری و همه نیروهای چپ و کمونیست و مبارز باید قاطعانه محکوم گردد، بلکه به شدت باید به مقابله با آن برخاست.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن حمایت قاطع از مطالبات برحق کارگران اعتصابی نفت، اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرده و با صدای رسا اعلام می دارد که هیچ کارگری به خاطر اعتصاب، اعتراض و پیگیری خواست های برحق شان، نباید اخراج و بازداشت و سرکوب گردد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن اعلام همبستگی و پشتیبانی از مطالبات کارگران پیمانی نفت که هم اینک در اعتصابات هستند، همبستگی و پشتیبانی خود را با کارکنان و کارگران رسمی نفت که قرار است روز نهم تیر اعتصاب کنند، اعلام کرده و همه نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه و مبارز، بویژه کارگران و زحمتکشان را فرا می خواند در هرکجا که هستیم از جمله در خارج کشور، به هر شکلی که مقدور است با اعتراضاتمان در روز نهم تیر به حمایت از مطالبات کارگران اعتصابی صنایع نفت و پتروشیمی بر خیزیم تا پژواک صدای اعتراضی آنان باشیم.

زنده باد اعتصابات سراسری کارگران سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

۲ تیر ۱۴۰۰ مطابق با ۲۳ ژوئن ۲۰۲۱

امضاها:

اتحاد فدائیان کمونیست،
حزب کمونیست ایران،
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست،
سازمان راه کارگر،
سازمان فدائیان (اقلیت)،
هسته اقلیت

با گذشت سه روز از نه بزرگ اکثریت مردم به نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری رژیم در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، نتایج شگفت انگیز این نه بزرگ و قهرمانانه در روز اول تیر در پژواک اعتصابات فراگیر کارگران نفت و پتروشیمی، گل داد و به ثمر نشست.

اعتصابات سراسری کارگران پیمانی و غیر رسمی صنعت نفت و پتروشیمی که از ۲۹ خرداد با اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت فراب نیروگاه بیدخون شروع شده بود، در روز سه شنبه اول تیر ماه ۱۴۰۰، به یک اعتصاب فراگیر تبدیل شد. وقوع شکوهمند این اعتصابات فراگیر که با فراخوان "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت" آغاز شده است، نشانه خود آگاهی سیاسی، همبستگی و همکاری گسترده تر بین سایر اقشار طبقه کارگر است.

با شروع این اعتصابات که از روز سه شنبه اول تیر در ابعادی سراسری شکل گرفت، تا کنون هزاران تن از کارگران صنایع نفت و پتروشیمی کشور از قبیل کارگران اورهال پالایشگاه نفت تهران، کارگران پیمانی گچساران، کارگران پالایشگاه آدیش جنوب، پالایشگاه آبادان، پالایشگاه بید بلند بهبهان، فاز ۱۴ عسلویه، کارگران پالایشگاه تند گوین، شرکت جهان پارس، پتروشیمی دنا، فاز ۱۳ کنگان، فاز ۱۳ پارس جنوبی، کارگران پروژه های شرکت ای جی سی پالایشگاه آبادان، کارگران پیمانکاری حاجی پور، شرکت مخازن نفت قشم، شرکت اکسیر صنعت، کارگران عملیات دریایی شرکت پایانه های نفتی ایران، میدان گازی پارس جنوبی، شرکت ریتون، خارک، شرکت پتروشیمی عمران صنعت، شرکت پتروشیمی صدف، پتروشیمی جهان پارس، شرکت پایندان، شرکت ساتراب صنعت، شرکت توانمند فاز ۲۲ و ۲۴، کارگران شرکت لیدوما، شرکت سینا پالایش قشم و پتروشیمی بوشهر به این اعتصابات سراسری پیوسته اند.

"شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت"، مطالبات کارگران اعتصابی را در هفت بند اعلام کرده است. افزایش مزد ماهانه به بالای ۱۲ میلیون تومان، برچیدن شرکت های پیمانکاری، انعقاد قرارداد دائمی، لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی و حق تشکل و تجمع و اعتراض، ۱۰ روز مرخصی در قبال ۲۰ روز کار از جمله مهمترین مطالبات کارگران اعتصابی است.

کارگران مبارز پیمانی و غیر رسمی صنایع نفت و پتروشیمی که هم اکنون در اعتصاب هستند، همچنین با صدور بیانیه ای، حمایت قاطع و همه جانبه خود را از فراخوان اعتصاب کارگران رسمی نفت که قرار است در روز نهم تیر شروع شود اعلام کرده اند. کارگران پیمانی و اعتصابی نفت، در بیانیه ای که به همین منظور صادر کرده اند، نوشته اند: اعتصاب ما یک اعتصاب اختطاری است و یک هفته در جریان خواهد بود و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود که اعلام اعتراض کرده اند، خواهیم پیوست. ما در این یک هفته ای اعتراضاتمان با جمع شدن در محل های کار خود تلاش می کنیم که تصمیم گیری جمعی بکنیم و صدای خود را به گوش همکاران کارگرمان در همه جا برسانیم."

در شرایطی که موج اعتراضات توده ای برای سرنگونی جمهوری

عباس منصوران

بحران مشروعیت و شرایط روند سرنگونی!



قرارگاه‌های عماريون و حسين طائب، رئيس سازمان اطلاعات سپاه و نماينده على خامنه‌اي و... و باند سران سپاه و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، اینک دو باند متحد و در عین حال رقیبی هستند که همقطاران و شرکای پروغرب خویش را پس از کشاکشی ۴۲ ساله، به پیرامون رانده‌اند. باند پروغرب حکومتی، پس از تلاش و سوداهای دوران‌دیشانه، که در پی حکومت اسلامی ناب محمدی‌اش نبود یا دست کم اصراری بر آن نداشت و «مصلحت نظام» و حاکمیت سرمایه را در پراگماتیسم و استحالی قانون مرکز- پیرامونی سرمایه می‌دید، به اراده‌ی توده‌های زیر ستم و نیز رقبای مقتدرتر درهم شکسته شد. تحریم شرکت در نمایش صندوق رای و رای باطله، مهر بطالت بر کلیت نظام بود. برای باند مصلحت‌گرا، اقتدار سیاسی و اقتصادی کافی بود و به مصلحت نظام اسلامی لیبرال به معنای «تسامح» و تحمل کفایت می‌کرد. باند موسوم به «اصلاح طلب»، که از هواداران و همدستان قابل توجه‌ای به ویژه در میان لایه‌های بالای خرده‌بورژوازی مرفه و جدید و ضد انقلاب و نیز در گروه بندی‌های سیاسی و اقتصادی در اپوزیسیون برخوردار بود دو سال پیش حکم محکومیت خود را شنید. این جناح، در خیابان‌های سراسر ایران در دی‌ماه و ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ همراه با رقیب اصولگرای ناب محمدی خویش ماجرایش تمام شده اعلام شد.

چاوشگران این جناح - باند حکومتی در گروه بندی‌های سیاسی جمهوری خواه و چپ و طیف توده‌ای که بین «بد و بدتر»، چشم بسته و زانو زده، دست به زمین می‌سازیدند و سلطنت طلبان برانداز که چشم به دخالت غرب داشتند به سختی تو دهنی خوردند. «اصلاح طلبان» نه به معنای رفرمیست‌های متعارف، بلکه رفرمیست‌هایی از جنس وطنی، که به ضرورت دستیابی به قدرت سیاسی در سال ۱۳۵۷ به یاری ملی مذهبی‌های استحاله‌گرا، پدیدار شده بودند با آمریت و عاملیت کشتارهای افزون بر ۱۰۰ هزار نفره‌ی دهه‌ی ۱۳۶۰ در اوج بحران مشروعیت نظام، دیگر محلی از اعراب نمی‌توانستند داشته باشند.

اما، سه جناح باند حکومتی، تنها بازیگران میدان اقتصاد و اقتدار نبودند. نیروی

دادند که سرنوشت پدر را عبرت گیرد و گزافه نگوید و به درون حوزه بخزد و در آنجا حدیث نبوی نشخوار کند و از همان رانت حوزوی و قبر پدر بزرگ جنایتکارش راضی باشد.

در ایران ویران و سوخته، ارگان‌هایی نمایشی سرشار از تناقض و فریب در میان بودند تا باندهای بیت رهبری و سپاه با صندوق‌های آراء و تقلب و فریب، مشروعیت یابند و حذف رقیب سمج و مزاحم را وجاهت قانونی دهند. حکومت ناب نبی که رویای خمینی بود و هیچگاه پس از محمد، پیامبر مسلمانان، مجال نیافته بود اینک با گذشت ۱۴۰۰ سال و نیز نزدیک به نیم سده قدرت یابی در ایران، به سود ولایت، مجال آن می‌یابد تا با اعلام «خالص سازی» حاکمیت، نوعی حکومت اسلامی یک بنی را برپا سازد. در درازای ۴۲ ساله‌ی گذشته از یک سوی، پرو- روس‌ها و از سوی دیگر پرو- غرب‌ها به موازی هم، در اشتراک و همدستی و ستیز و درندگی، خون ریختند و ویرانی آفریدند و تسمه استعمار بر گروه‌های نیروی کار و زحمتکشان کشیدند. اصول‌گرایان تکیه زده بر حکومت‌های روس و چین، کارگزارانی شدند که هستی جامعه را در پیشگاه ازدهای پکن و خرس‌ها روس، در گرو رانت‌های حکومتی و اقتصادی نهادند تا با دستیابی به سلاح هسته‌ای و پشتیبانی‌های سیاسی و نظامی حکومت‌شان را دوام بخشند.



باندها، از سال نخست پس از جنگ ۸ ساله تا کنون در ساختار دو باند متحد و همزمان رقیب، اینک با به پیرامون راندن باند سوم، یعنی اصلاح طلبان (پروغرب) در آستانه‌ی برقراری حکومت یک پارچه‌ی اسلامی قرار گرفته‌اند. باند بیت رهبری در شاکله‌ی شبه حکومت اسلامی به رهبری علی خامنه‌ای و فرماندهی میدانی فرزند مخوف خویش، یعنی مجتبی خامنه‌ای- برادران طائب (مهدی فرمانده

حکومت اسلامی سرمایه در ایران به بحران مشروعیت مرکزی‌گرفتنار آمده‌است. به گونه‌ای که سال ۱۴۰۰ آغاز پایان یک دوره سونامی نام و نمایش پرتناقض دو رویکرد حکومتی، یعنی آنتاگونیسم حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی به نمایش می‌گذارد. حکومتی که یا باید با امت و امام و پیشوایی یا یک ولی تعریف می‌شد، یا با ارگانهای حکومتی متعارف و کم و بیش خوانا با جمهوری‌های بورژوازی در آسیای استبدادی و پیرامونی تداعی می‌گردید. این دو نام و رویکرد و ساختار آشتی ناپذیر و اما اجباری در کنار هم، از آغاز به قدرت رسانیدن اسلام سیاسی تا اکنون هم یک ضرورت بود و هم یک تناقض بحران‌آفرین و فلج‌کننده و آنتاگونیست. طبقه کارگر افزون بر ۴۰ میلیونی بیش از همه‌ی حکومت شوندگان که بار سودآوری و تولید و خدمات را در جامعه بردوش داشته در حال خیزش و سوختن. حکومت با ترکش‌های مرگ‌آور به پیرامون، غرق در ابرهای مسموم، بیش از همه‌جا در خاورمیانه، ۴۲ سال اینگونه در خون و فساد اسلامی و سرمایه‌داری دوام آورد و و با کشتار و نسل‌کشی فرمان راند. در این نیم سده، با افزون بر چندین میلیون تن به مرگ و خاکستر سیاه کشانیده شده، نه «جمهوری» در میان بود و نه حکومت نابی برقرار گردید. زیرا که جمهوری پیرامونی به نمونه‌ی پاکستان یا افغانستان اسلامی ناممکن شده بود. حکومت ولایی نیز که گویی خلیفه‌ای در میان باشد و مدینت‌النبی برپا کند که هیچ ارگانی جز امت در میان نباشد گریزی ناگزیر.

ضرورت برقراری دومی، محو اولی‌ها بود تا به هر وسیله از جمله نمایشی حوزوی، صندوق رای تیرماه، خلیفتی اعلام شود. در نمایش صندوق برای نمایش بیرونی و فرمالیستی، اعلامی بی‌پرده‌ای بود که خالص سازی و پاکسازی لازم می‌دانست و حکومت امام زمان‌گایی که تنها به خدا پاسخگو باشد و در غیاب او به ولی اش بازمی‌گردد تا به امام همیشه غایب پاسخگو باشد و نه به امت. در روزهای کاندیداتوری نمایش صندوق رای اخیر به سید حسن خمینی، نوه‌ی روح‌الله خمینی که پدرش، سید احمد خمینی را همین ولی فقیه و همدستش علی اکبر رفسنجانی از میان برداشته بودند تا راز تقلب ولایت خامنه‌ای گشوده نشود، هشدار

امتی و زدودن باند پروغرب و میانه‌باز و قدرت یابی سپاه در تمامی عرصه‌ها اقتصادی و سیاسی را در پی سالها تلاش، به نمایش صندوق رای ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۴۰۰ و وو نمی تواند ضمانت بخش اتحاد دو باند بیت رهبری و سپاه باشد. اعتصاب‌های با شکوه سراسری بیش از هشتاد هزار کارگر نفت و گاز و پتروشیمی و رانندگان نفتکش‌ها و کامیون‌ها، و پیوستن و پشتیبانی دیگر بخش‌های کارگری و بازنشسته‌گان و زنان و... با سازمانیابی و طرح خواست‌های طبقاتی، نشان از سازماندهی شورآفرینانه، آگاه‌مندان و انقلابی، نوید بخش شرایط نوینی است. شرایطی که چهره‌نمای خیزشی است که به گونه‌ای غرور آفرین، مبارزه طبقاتی را با همان تبیین دیالکتیکی و مانیفستی به نمایش می‌گذارد. این جنبش با سرشت انقلابی، مهر و نشان طبقاتی بر خیزش‌های خیابانی و سراسری در اعتراض‌های اجتماعی دارد.

چکامه‌های امروز در خیابان‌ها و سپهر جامعه، در سراسر ایران، از سراوان و سرباز در بلوچستان گرفته تا عسلویه و اهواز و ماهشهر و هفت تپه و اراک بهمان و اصفهان و شیراز و اهواز و هرآنجا که نیروی کار نفتگران و زمین کاوان و نوابران در خشکی راه‌های حمل و نقل، تا همه‌ی مزدبران و زحمتکش‌ها هستی ر بوده شده، از خاور تا باختر و از شمال تا به جنوب چکامه و پیش زمینه‌های انقلابی است در راه. نوید انقلابی با تبیین مانیفست، شورایی، خودمدیریتی مشترک زنان و مردان برای پیروزی انقلاب کارگری و تحقق سوسیالیسم، جهشی است که از سپهر و جان جامعه شنیده می‌شود. آنچه که در این میدان کارزار طبقاتی و حیاتی و تاریخ ساز، در این میان - هم در کیفیت و هم کمیت - کمی و کاستی حضور دارد، کم رنگی و پراکندگی و ناهمبستگی سازمان‌ها و نیروهای سیاسی و طبقاتی کمونیستی است تا مانیفست را مادیت بخشد.

دوم ژوئیه ۲۰۲۱



مالی، کمبود شدید بودجه‌های جاری و ناتوانی رژیم در پرداخت‌ها و برآوردن هزینه‌های جاری و نظامی و ماشین سرکوب، فساد نهادینه و غیرقابل کنترل، ریزش شدید نیروها و پایگاه‌ها و پایه‌های باندها، شکاف غیرقابل کنترل درون باندهای حکومتی، ضربه‌های شدید و درهم شکننده به ساختارهای امنیتی و نیروهای نیابتی و تروریسم دولتی و برون مرزی در سوریه، عراق، یمن، لبنان و... رژیم، بحران شدید بی آبی و فریاد دشت‌ها و کشتزارهای سوخته، فریاد از بی آبی و بی نانی، نابودی محیط زیست و بوم جامعه، بیکاری افزون بر نیمی از جامعه، فریادی است که با شعار کار، نان، آزادی، مدیریت شورایی! در کف خیابان بازتاب یافته است. در چنین شرایطی، یکدست شدن رژیم و اتحاد موقتی باند بیت رهبری و سپاه، رنگ می‌بازد و ستیز گرگ‌های همراه، به همان فرجامی خواهد رسید که ملی مذهبی‌ها و سپس رفسنجانی و سرانجام، پروغربی‌های موسوم به اصلاح طلبان و «اعتدالیون اصولگرا» سرانجام یافتند.

ماندگاری این رویکرد وعده‌های توخالی حاکمین چین و روس، همان کلید چوبینی است که نه چرخ حاکمیت را می‌گشاید و نه چرخ سانتریفیوژها. تزه‌ها، نقشه‌ی راه‌ها و مهندسی مسلح شدن رژیم به صورت حاکمیتی ولایی در ساختار پیشوا- امتی، به پشتوانه‌ی ایدئولوگ پوتین، یعنی آلکساندر دوگین هیچ معجزه‌ای نخواهد داشت و ضمانت دوام اقتدار حاکمیت به پشتوانه کرملین و پکن، هیچ اعتباری نخواهد داشت. وعده‌های آلکساندر دوگین، یعنی ایدئولوگ اورآسیا و «تئوری چهارم سیاسی» که مهندسی حضور سپاه قدس و قاسم سلیمانی به هدف سلطه‌ی روسیه در منطقه به ویژه در سوریه را به عهده داشت، در برابر توفان‌های عظیم خیزش‌های امروز و فردا، به برف در گرمای تموز می‌ماند. تزه‌ها و وعده‌های اتاق فکر پوتینی از سوی دوگین که مبتکر راهپیمایی اربعین برای تثبیت و تقویت حشدالشعبی و حضور نظامی و سیاسی رژیم ایران در عراق بود، نسخه‌های موقتی و شکننده و بحران زایی شدند. به همان‌گونه نیز، تر پیشوا-

سوم، یعنی یک جامعه‌ی هفتاد و اند میلیون تنی، با بیش از ۴۰ میلیون کارگر و خانواده کارگری و با بیش از ۸۰ درصد اهالی زیر خط فقر، و ۲۵ میلیون تن حاشیه نشین و بیش از ۴۰ میلیون زن و ملیت‌های زیر ستم دوگانه مناسبات و اقتدار سرمایه و حاکمیت، نیرویی هستند که صف کشیده در سراسر ایران، در اعتصاب و خیزش، سرنگونی تمامیت نظام و حاکمیت را فریاد می‌زنند.

سال ۱۴۰۰ زمان ورود اجباری حکومت اسلامی به حکومتی یک بنه، متحقق می‌شود. صفت جمهوری اسلامی کفری بود بر اسلام - اسلامی که از همان آغاز محمدی‌اش سیاسی بود - و هرگز اقتدار نیافته بود. اسلام سیاسی یعنی اقتدار در حاکمیت سیاسی سرمایه و اقتدار یعنی به دست گرفتن اهرم‌های قدرت سیاسی یعنی فرمانروایی ابزار سرکوب و حاکمیت مناسبات حاکم. زیرا که، سلطه‌ی قدرت اقتصادی و اجتماعی با قدرت سیاسی متحقق می‌شود و ضمانت اجرایی می‌یابد. حکومت اسلامی در سال ۱۴۰۰ با تمرکز و انحصار سه قوه اجراییه، قوه قضاییه و قوه مقننه، در دست نیرویی که به اعتراف حسن روحانی «هم تفنگ دارد و هم اقتصاد» و بسان طبقه‌ی مسلط، مناسبات اقتصادی را به چنگ گرفته، راهی جز این رویکرد و تغییر ساختار حکومتی نداشت.

اینک، از سوئی، ادامه حکومت به شیوه پیشین ناشدنی شده است و در سوی دیگر، جامعه به شیوه‌ی سابق تن به این حاکمیت نمی‌سپارد. حاکمیت باید خود را برای رویارویی با شرایط جدید، یعنی برآمد اجتماعی سراسری، مجهز و یکدست می‌کرد. با این ارزیابی و در چنین شرایطی، و بنابر تجربه‌های تاریخی و اندیشه سیاسی، افقی جز شرایط انقلابی در پیش روی نیست. اینک، عقربه‌ی زمان به سوی شرایط انقلابی جهت گرفته است. اعلام نه به حکومت اسلامی و ابلاغ «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمام ماجرا!» کیفرخواست و اعلام فرجام سرنگونی رژیمی است که در بحران مشروعیت دست و پا می‌زند.

بحران تورمی، یعنی بی ارزش شدن لحظه به لحظه ارز داخلی، ورشکستگی اقتصادی و

کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت‌های

حزب کمونیست ایران و
کومه له دیدن کنید!

تجارب جنبش کارگری

مروری بر مبارزات طبقاتی درخشان جنبش کارگری در هفت تپه، بخش ویژه‌ای است که در جهان امروز به صورت پیاپی به بازتاب مبارزات کارگری و بررسی فرازمینی از جنبش کارگری می‌پردازد! در این شماره بخش دهم این مطلب را ملاحظه می‌کنید.



بازداشت همراه با ضرب و شتم کارگران

در شماره پیشین از سی و ششمین روز اعتصاب و حمله یگان ویژه، در روز سه شنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۹ اشاره کردیم.

در این روز، حکومت با گسیل یگان ویژه، به همایش آرام کارگران در دمای نزدیک به ۵۰ درجه سانتیگراد و پاندمی مرگ آور کرونا هجوم برد. ماشین سرکوب، کارگران در محاصره نیروهایی که همیشه برای سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشانش گویی به جبهه جنگ می‌روند فرمان یافته بود. نیروهای سرکوب، همان‌هایی هستند که تنها برای همین مأموریت‌ها تربیت شده و پول می‌گیرند. در این هجوم فاشیستی، دهها کارگر را مجروح کردند و به بازداشت چهار نماینده- کارگران: یوسف بهمنی، خنیفر، ابراهیم عباسی، یوسف بهمنی، مسلم چشمه خاور که دو نفر کرونا داشتند پیروزمندان به پادگان‌ها عقب نشینی می‌کنند. کارگران اعلام کردند بازداشت نمایندگان کارگران، به معنای بازداشت ۸۰۰۰ کارگر هفت تپه است. دستگاه قضایی برای ترساندن کارگران، دستگیری و محکومیت محمدرضا دبیریان، کارگر هفت تپه را به اتهام اخلاف علیه نظم به زندان و شلاق محکوم کردند. کارگران گیری عامل اصلی فلاکت، یعنی مناسبات حاکم به مبارزه خود ادامه می‌دهند. کارگران با درخواست لغو مالکیت بخش خصوصی و پیشنهاد آلترناتیو دولتی کردن، همزمان فساد حکومتی را نشانه گرفته بودند. این خواست به معنای گذر از یک تاکتیک و همزمان شعار خودمدیریتی که «هفت تپه از آن ماست و خودمان تولید و فروش و توسعه و مالکیت و همه چیز آن را کنترل خواهیم کرد!»

این یک گزینش آگاهانه بود تا کارگران به صورت کلکتیو، کنترل تولید و توزیع را در دست بگیرند، با اعلام تعاونی و نظارت شورایی و سهم برابر برای همه کارگران، نوعی مالکیت جمعی را بدون دخالت مالکیت دولتی یا بخش خصوصی اعلام و یادآوری کردند.

تلاش دولتی‌ها برای توطئه تفرقه

همراستا با هجوم و دستگیری نمایندگان کارگران بود که طرح توطئه‌ی عناصری به عنوان نماینده یا فعال کارگری از هفت تپه، در ۲۶ تیرماه در خارج از هفت تپه با برخی مقامات قضایی آشکار شد. کارگران بیدرنگ این توطئه را فاش کردند.

عامل قضایی حکومت سرمایه، روز چهل و چهارم اعتصاب وظیفه داشت تا کارگران را از خیابان به تولید سود فرمان دهد. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، در یک نشست خبری دستور داشت تا بگوید: «به کارگران هم توصیه می‌کنیم کار را تعطیل نکنند». و به دروغ بگوید که «این شرکت، هفت هشت هزار کارگر دارد و اکثریت قریب به اتفاق کارگران مشغول به کارند». در هفت تپه- کارگران در پاسخی دندان شکن اعلام کردند:

«بازگشت به کار همکاران اخراجی، بر چیده شدن بخش خصوصی و همچنین پرداخت دستمزدهای عقب افتاده سه ماه اردیبهشت، خرداد و تیر ماه (روزهای اعتصاب).

درخواست‌های فوری کارگران در برابر فرمانداری شوش

خلع ید فوری کارفرمای اختلاسگر و بخش خصوصی از هفت تپه پرداخت فوری تمام حقوق‌های معوقه و تمدید دفترچه بیمه

بازگشت به کار فوری برای همکاران اخراج شده در تمام بخش‌ها بازداشت فوری اسد بیگی و مجازات حبس ابد برای اسد بیگی- رستمی بازگرداندن فوری ثروت‌های اختلاس شده به کارگران

پایان کار مدیران بازنشسته تشکیل مجمع نمایندگان مستقل کارگران

در پنجاه و دومین روز اعتصاب با شکوه کارگران در هفت تپه، اعلام شد: «مسئولان

رنگارنگ دولتی و قضایی و مجلسی! باور کنید اگر سرسوزنی از این خواسته‌های ما عملی نشود باز هم ما را خواهید دید در خیابان‌ها. ما میم کارگران هفت تپه، یعنی پایتخت اعتصاب جهان!»

در بامداد چهارشنبه - ۲۵ تیر ۱۳۹۹، کارگران در بیانیه‌ها و شعارهای خود اعلام کردند که: «به کارگران هفت تپه ظلم و ستم روزانه و روزافزون روا داشته میشود و دزدان و مفسدان آزادند و نمایندگان ما دستگیر میشوند! شرم بر این مسئولینی که از این فاسدان حمایت میکنند». و در برابر حاکمیت ایستادند که: «تا آزادی همکارانمان و تا لغو خصوصی سازی فسادانگیز، اعتصاب و اعتراض ادامه دارد.»

کارگران آگاه محور مشترک جناح‌های حکومتی و رقابت‌های آنان را فاش می‌سازند. بیانیه کوتاه کارگری زیر به صورت فشرده اشتراکات و اختلاف‌های درون حکومتی را آشکار می‌کنند:

«رقابت رسانه‌ای وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه!»

اعلام کردند که «اطلاعات سپاه که در باند روحانی نیست و در جریان هفت تپه دوست داشته که اسد بیگی‌ها و باند روحانی را شکست بدهد بعد از افشاگری‌های کارگران هفت تپه به سراغ تعدادی از مسئولان دولت روحانی رفت و ثابت شد که آنها رشوه گرفته‌اند. حالا وزارت اطلاعات که زیر نظر روحانی است برای حفاظت از اسد بیگی یعنی دست پرورده روحانی وارد عمل شده و با انصاف نیوز و علی اصغر شفیعیان که اطلاعاتی است وارد صحنه شده و از اسد بیگی‌ها دفاع میکند. اطلاعات سپاه و این پاسداران گمنام! در نبرد رسانه‌ای از سربازان گمنام عقب‌ترند و انصاف نیوز دارد شدیداً از داعشی‌ها حمایت میکند. اطلاعات سپاه در سرکوب کارگران و مردم، زبل است اما در مقابله با اسد بیگی‌ها و در تقابل با رسانه‌ی وزارت اطلاعات- انصاف نیوز- دست به سکوت مصلحت‌آمیز زده است! واقعا چه

فیلمی راه انداخته‌اید! ای سربازان و پاسداران گمنام! در این فیلم سینمایی،

مبادا راست راستکی چشم هم را درآورید!

عوامل اطلاعاتی در راس «شورای اسلامی کار» یعنی بازوی حکومت و کارفرما که همزمان خود را صاحب سندیکای نیشکر هفت تپه می نامند به تخریب گری و شانتاژ خویش شتاب بخشیدند. کارگران به یکی از چند عامل شناخته شده به ویژه پاسخ دادند: «تو این ۵ سال که کارگران چندین اعتصاب بزرگ داشتند شما عوامل کارفرما کجا بودید؟! شما این ۵ سال تو کانال مجازتتون تشریف داشتید و کارگران رو کمونیست و گوسفند و شعبون بی مخ خطاب می کردید!!! کانال زدید در حمایت از همین کارفرمایی که الان اون رو فاسد خطاب می کنید!! چي شده؟ زمین به آسمون اومده که شما ۱۸۰ درجه چرخش پیدا کردید!!؟!

چگونه ما کارگران به فردی مثل جنابعالی اعتماد کنیم که بعد از ۱۰ سال، تنهایی و یواشکی اومدین در فرمانداری و فیلم می گیرین؟ و می گین تمام کارگران اشتباه می کنند و شما راست می گوید!! شما عقل کل هستید و فقط شما می فهمید؟! و کارگران را همه نادان می دانید؟! کارگران در کانال تلگرامی مستقل هفت تپه سند مزدوری یکی از این عوامل را که در رقم ۷۰۰ میلیون تومان به حساب خانوادگی اش واریز شده بود را افشا کردند وی در پی ماموریت های خود، شکنجه های جانفرسای اسماعیل بخشی را «گوشمالی رهبری» نامید.

کارگران در کانال مستقل اعلام کردند: «وقتی اسماعیل بخشی در زندان بود کانال مستقل شروع به کار کرد زیرا برخی کانال ها و یا افرادی که ادعای همراهی با ما داشتند ناگهان تغییر ریل دادند و به سمت کارفرما رفتند. در تمام ماه هایی که اسماعیل در زندان بود و بعد هم که برای بار دوم دستگیر شد و در زندان بود ما کماکان از او دفاع کردیم! هنوز هم می گویم اسماعیل بخشی از نمایندگان ما کارگران هفت تپه، باید بدون قید و شرط به کار بازگردد!

وقتی همکارانی نظیر خنیفر، بهمنی، عباسی و ... دستگیر میشدند و در زندان یا بازداشت بودند با تمام وجود از آنها دفاع کردیم و هنوز هم از تمام اقداماتی که به نفع کارگران هفت تپه میکنند حمایت میکنیم!

وقتی برای هر کدام از همکاران در هر بخش از شرکت مشکلی پیش آمد با تمام وجود از آنها دفاع کردیم!

هر گاه یک خائن یا یکی از عوامل کارفرما دست به اقدام مخرب زد علیه اش نوشتیم و هنوز هم ادامه خواهیم داد!

هر مسئولی که علیه کارگران هفت تپه اقدامی کرد و با اختلاسگران و فاسدان بخش خصوصی همراهی کرد علیه اش نوشتیم و هنوز خواهیم نوشت ... همیشه بر ضرورت اتحاد بین همه همکاران تاکید کردیم و هنوز هم خواهیم کرد! مشکل همه ما یکی است! کارگری که قرارداد دارد باید از کارگری که اخراج شده حمایت کند! ... ما کانال همه کارگران هفت تپه هستیم. حتی اگر فقط یکی از همکاران دچار مشکل شود وظیفه ما حمایت از اوست. چه این همکاران اسماعیل بخشی و محمد خنیفر و عباسی و بهمنی و اخضری و بیژنی و کهنکی و عادل سرخه و آزادی و چشمه خاور و امیدوار باشد چه سید عزیز باشد که هر روز در تجمع مقابل فرمانداری حاضر میشود و به زبان شیرین عربی سخنانش را ساده و جاری و پاکیزه و محکم بیان میکند. چه اسماعیل بخشی باشد و خنیفر و عباسی و چه همکاران عزیز در غیر نیشکری و دفع آفات و بانک ماشین آلات و نی بر و لیلیکو و فنی-کارخانه و چه همکاران عزیز بازنشسته ای که مطالبات معوقه دارند!

کارگران اعلام کردند: «امروز بار دیگر با تاکید بر ضرورت ادامه اعتصاب و اعتراض و تجمع، ضمن اینکه اعلام میکنیم کارگران اعتصابی از پلیس و تهدید و اینگونه اقدامات مضحک و نخ نما هراسی ندارند، به صراحت اعلام میکنیم که ما گردانندگان کانال مستقل کارگران هفت تپه، هم پا و هم صدای سایر همکاران و با تمام وجود از شما حمایت میکنیم! قدرت ما در اتحاد ماست. تا بازگشت به کار شما عزیزان در کنارتان هستیم! تا پرداخت تمام مطالبات همه همکاران و تا لغو خصوصی سازی از پا نخواهیم نشست.»

کارگران با حضور گسترده در برابر فرمانداری، در حالیکه کارگران برای آزادی همزنجیران خود تلاش می کردند هراس افکنی حکومت را حتی می سازند. اعتصاب کوبنده تر از پیش ادامه یافت. تلاش حامیان حکومتی کارفرمای فاسد را نقش بر آب کردند و نشان دادند که هجوم و ربایش و دستگیری ها، بر اراده ی کارگران کارایی چندانی نخواهد داشت. با همایش و فراخوانی پشتیبانی های بین المللی و رسانه ای شدند. با دستگیری ها و هجوم یگان ویژه، موج پشتیبانی از کارگران هفت تپه از سوی ارکانهای کارگری و جنبش کارگری جهانی به سوی هفت تپه جاری شد.

کارگران هفته تپه، با درخواست خلع ید از بخش خصوصی و پایان دادن به فساد دولتی، نه به سان شعار بلکه، نشانه گرفتن عامل اصلی فلاکت، یعنی مناسبات حاکم به مبارزه خود ادامه می دهند. کارگران با درخواست لغو

مالکیت بخش خصوصی و پیشنهاد آلترناتیو دولتی کردن، همزمان فساد حکومتی را نشانه گرفته اند. این خواست، به معنای گذر از یک تاکتیک و همزمان شعار خودمدیریتی که «هفت تپه از آن ماست و خودمان تولید و فروش و توسعه و مالکیت و همه چیز آن را کنترل خواهیم کرد!»

این یک گزینش آگاهانه بود که کارگران به صورت کلکتیو، کنترل تولید و توزیع را در دست بگیرند، با اعلام تعاونی و سهم برابر برای همه کارگران، نوعی مالکیت جمعی را بدون دخالت مالکیت دولتی یا بخش خصوصی را زمینه سازی کنند.

اعلام شد: «مسئولان رنگارنگ دولتی و قضایی و مجلسی! باور کنید اگر سرسوزنی از این خواسته های ما عملی نشود باز هم ما را خواهید دید در خیابان ها. ما میم کارگران هفت تپه، یعنی پایتخت اعتصاب جهان!»

پروژه مشترک شورای اسلامی و بسیج دانشجویی و ستاد امر به معروف

رخدادهای سال ۹۷ تکرار می شد! حکومت اسلامی، نخست سخنگویان را گروگان می گیرند؛ سپس جیره خواران شورا و طلاب و دانشجویان بسیجی که زیر نام «عدالتخواه» از سوی اطلاعات سپاه و سرمایه وظیفه گرفته بودند تا با نقش میانجی به میان کارگر آمده تا به اعتصاب پایان دهند و بگویند: اعتصاب را تمام کنید تا کارگران آزاد شوند!

این یک بازی کثیف حکومتی بود!! کارگران اعلام کردند: «شورای اسلامی خیانتکار که خودش بچه ها را فروخته و گفته که عامل اصلی تجمع این ۴ نفر هستند به همراه طلاب در پروژه ای مشترک در جلسه با مسئولین امنیتی شرکت کرده و به آنها وعده پایان اعتصاب داده اند! اما دوستان عزیز فعالین کارگری که هم اکنون در بازداشت هستند به پایان اعتصاب بدون رسیدن به نتیجه راضی نیستند! پس گول شورا و بسیج و طلاب را نخورید.

محکم و استوار به اعتصاب خود تا آزادی فعالین و لغو خصوصی سازی ادامه خواهیم داد و ضمناً شورای خائن منتظر عکس العمل کارگران به خاطر خیانت های مکرر باشد و این روزها سعی کنند کمتر طرف کارگران آفتابی شود...»

و هشدار دادند: «بر ما معلوم نیست این عده چه کسانی هستند و قرار است چه موضوعی را پیگیری کنند و مطالبه یا حرف مد نظر آنها چیست. اما:

به صراحت اعلام میکنیم که هر فرد یا گروهی از کارگران هفت تپه که فقط

بر سر برخی مطالبات معوقه نشست و جلسه بگذارد هیچگونه نمایندگی و تاییدیه از سوی کارگران هفت تپه ندارد!

به صراحت اعلام میکنیم که هر فرد یا گروهی که اعلام نکند و اصرار نکند و موضع اول و آخرش این نباشد که "کارگران هفت تپه خواهان لغو فوری و بی قید و شرط خصوصی سازی هستند و هیچ گونه خصوصی سازی دیگری را هم قبول نخواهند کرد" به هیچ عنوان نمایندگی از مطالبات ما نمیکند.

هر فرد یا گروهی که به دستگیری همکاران و نمایندگان کارگران هفت تپه معترض نباشد و خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری آنها و پایان دادن به تهدید و احضار و دستگیری علیه کارگران هفت تپه نباشد به هیچ وجه مورد تایید ما نیست.

ما خواهان بازداشت اسدیگی ها و تعیین تکلیف هر چه سریعتر برای اسدیگی-رستمی و حبس ابد برای آنها و بازگرداندن ثروت های اختلاس شده به کارگران هستیم.

ما خواهان پرداخت فوری حقوق و مطالبات معوقه و سامان یافتن وضع کشت و کارخانه هستیم.

مسئولین قضائی و دولتی و مجلسی و ... بدانند خواسته اول و آخر ما کارگران هفت تپه پایان دادن فوری به استیلاي ظالمانه و فاسدانه و تفرقه انگیز و تشنج آفرین بخش خصوصی اختلاسگر و اشغالگر بر هفت تپه است!

همچنین ما خواهان پایان دادن به سلطه برخی مقامات و مسئولان دولتی-قضایی-امنیتی در شوش و خوزستان هستیم. بهمنی رئیس پلیس امنیت شوش، چگنی رئیس دادگستری و نظری دادستان شوش در راس این مقامات خرابکار و مدافع اختلاسگران هستند. در مورد آنها انواع و اقسام اسناد را داریم اگر گوش شنوایی وجود داشته باشد!

شریعتی، استاندار رشوه خوار خوزستان و حسینی پویا دادستان خوزستان نیز در دفاع از مختلسین از هیچ اقدامی فروگذار نمیکنند.

به کارگران هفت تپه ظلم و ستم روزانه و روزافزون روا داشته میشود و دزدان و مفسدان آزادند و نمایندگان ما دستگیر میشوند! شرم بر این مسئولینی که از این فاسدان حمایت میکنند.

تا آزادی همکارانمان و تا لغو خصوصی سازی فسادانگیز، اعتصاب و اعتراض ادامه دارد.

جمعی از کارگران هفت تپه - بامداد چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹

کارگران آگاه محور مشترک جناح های حکومتی و رقابت های آنان را فاش ساخته و بیانیه کوتاه کارگری زیر به صورت فشرده اشتراکات و اختلاف های باندهای حکومتی را آشکار می کند:

«رقابت رسانه ای وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه»

اطلاعات سپاه که در باند روحانی نیست و در جریان هفت تپه دوست داشته که اسدیگی ها و باند روحانی را شکست بدهد بعد از افشاکاری های کارگران هفت تپه به سراغ تعدادی از مسئولان دولت روحانی رفت و ثابت شد که آنها رشوه گرفته اند. حالا وزارت اطلاعات که زیر نظر روحانی است برای حفاظت از اسدیگی یعنی دست پرورده روحانی وارد عمل شده و با انصاف نبوز و علی اصغر شفیعیان که اطلاعاتی است وارد صحنه شده و از اسدیگی ها دفاع میکند. اطلاعات سپاه و این پاسداران گمنام! در نبرد رسانه ای از سربازان گمنام عقب ترند و انصاف نبوز دارد شدیداً از داعشی ها حمایت میکند. اطلاعات سپاه در سرکوب کارگران و مردم، زبل است اما در مقابله با اسدیگی ها و در تقابل با رسانه ی وزارت اطلاعات-انصاف نبوز- دست به سکوت مصلحت آمیز زده است! واقعا چه فیلمی راه انداخته اید! ای سربازان و پاسداران گمنام! در این فیلم سینمایی، مبادا راست راستکی چشم هم را درآورید!

علیه اعدام

در حالیکه به تحریک و انحراف و به سود رستمی عوامل وی شعار مرگ بر اسدیگی و برخی از عوامل اسدیگی شعار مرگ بر رستمی را سر می دادند، کارگران پیشرو، آگاهانه با بایکوت کردن این تحریک گران به کار توضیحی و آگاهگرانه پرداختند و شعارهای «مرده باد!» و «اعدام باید گردد!» را محکوم دانستند:

این یک دستاورد و نشانه ی آگاهی طبقاتی بود. کارگران علیه اعدام شعار دادند و اعلام کردند که:

اعدام سیاست طبقه کارگر نیست! کارگران به تجربه آموختند که عتصاب کارگران هفت تپه در سراسر ایران و جهان بازتاب یافته و به الگویی برای کارگران سراسر ایران تبدیل شده بود و می رفت تا با کارگران دیگر بخش ها پیوند بگیرد. شعارهای کارگران هفت تپه از جمله خودمدیریتی شورایی، و خلع ید از بخش خصوصی، به خواست های کارگری در خوزستان و اراک و دیگر نقاط ایران نیز تبدیل شده بود. شعار "مفسد اقتصادی اعدام

باید گردد" مورد انتقاد قرار گرفت. اعدام یک سرمایه دار و یا یک مفسد و همه ی مفسدان اقتصادی مشکلی از مشکلات طبقاتی جامعه و طبقه کارگر را حل نمی کند. فساد و مفسد اقتصادی ریشه در مناسباتی دارد که کارگر را زیر ستم سرمایه داران قرار داده فرمانروا گردانیده.

افشای انتقال ۷۰۰ میلیون دلار به کانادا

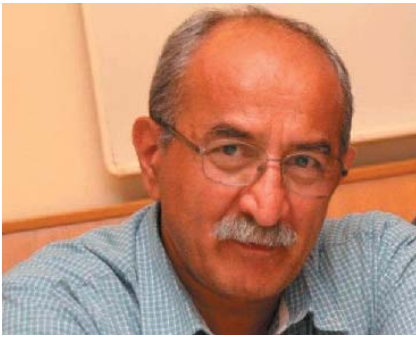
کانال تلگرامی مستقل کارگران، نخستین منبعی بود که در هفته اول مرداد ۱۳۹۹ سند انتقال ۷۰۰ میلیون دلار به وسیله ی صرافی عموزاده اسدی بیگی (امید حسن بیگی) به کانادا را منتشر کرد. با این افشاکاری مستند که به گونه ای گسترده و غیرقابل انکار بازتاب یافت، دولت روحانی به ویژه در تنگنا افتاد. کانال مستقل کارگران هفت تپه، با انتشار سند دیگری از رشوه سه میلیارد تومانی اسدیگی به جعفری چگنی رئیس دادگستری شوش و حسینی پویا، دادستان استان خوزستان پرده برداشت.

بر اساس این سند، پرداخت این رشوه از سوی کارفرما برای «پرونده سازی علیه کارگران» و حمایت از اسدیگی در شورای تامین شوش و خوزستان» بوده است که بایستی با تهیه گزارش ها و مصاحبه به سود باند اسدیگی انجام گیرد.

بنا به گزارش ها و بازتاب آنها در کانال مستقل کارگران اعلام شد: «اسدیگی و باندش برابر با شصت سال حقوق ما اختلاس کردند و برابر با سی سال آن راهم به کانادا برده اند ولی با پرداخت قطره چکانی حقوق، ما را به مسخره گرفته اند.»

فرا تر از تجربه سخنرانی ها سال ۹۷ بر سکوی هفته

کارگران با تجربه گیری از اعتصاب های سال ۹۷ و حضور اسماعیل بخشی بر سکوی هفته تپه، تجربه آموخته بودند که نه از یک بخشی بلکه اینک، از دهها بخشی را به عنوان بیان کنندگان خواست ها، سخنگویان و نمایندگان مورد اعتماد خود، پشتیبانی کنند. این کارگران پیشرو، هر روزه در میان کارگران، خواست ها، گزارش ها و پیام ها را رو به جامعه و رسانه ها و کارگران ایران و جهان بازتاب می دادند. این تجربه ای نوین بود که نه یک کارگر پیشرو، بلکه دهها کارگر در آموزشگاه اعتصاب آموزش ببینند و پرورش یابند و نیز با دستگیری هریک کارگران دیگری باشند که جایگزین شوند...



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت جانباختن رفیق فرهاد شعبانی

رفیق فرهاد یکی از چهره های شناخته شده جنبش کمونیستی ایران و جنبش انقلابی کردستان بود. رفیق فرهاد طی بیش از چهار دهه مبارزه بی وقفه و خستگی ناپذیر با انرژی و پتانسیل بالایی همه سختی ها و فراز و نشیبهای سالهای سخت و طولانی مبارزه علیه نظام سرمایه داری و رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی را پیمود. بدون شک فقدان این رفیق خسارت جبران ناپذیری برای کومه له و حزب کمونیست ایران می باشد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران با اندوه فراوان خود را در غم از دست دادن رفیق فرهاد با همسر گرامی ایشان رفیق زهرا و فرزندان دلبنده آرام، فواد و اشکان و خواهران عزیزش شریک می داند. صمیمانه به آنها و همه رفقای صفوف تشکیلات کومه له و حزب کمونیست ایران و همه دوستان و آشنایانش تسلیت می گوید.

یاد و خاطره رفیق فرهاد شعبانی گرامی باد!

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۳۰ خرداد ماه ۱۴۰۰

۲۰ ماه ژوئن ۲۰۲۱

با تأسف فراوان رفیق فرهاد شعبانی عضو کمیته مرکزی کومه له، عضو کمیته تشکیلات خارج کشور و چهره قدیمی و شناخته شده حزب کمونیست ایران بعد از سه ماه دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان، بامداد روز یکشنبه ۳۰ خرداد در سن ۶۳ سالگی در کشور سوئد قلبش از طپش باز ایستاد و برای همیشه از میان ما رفت. مرگ نا بهنگام رفیق فرهاد خانواده و همه صفوف تشکیلات ما و دوستان و آشنایانش را در سوک و ماتم فرو برد.

رفیق فرهاد که درد و رنج کارگران را در کار و زندگی تجربه کرده بود از همان آغاز قیام توده های مردم ایران علیه رژیم شاه مانند بسیاری از جوانان پرشور دیگر به صف این مبارزه پیوست و برای پیروزی آن از هیچ تلاشی دریغ نکرد. رفیق فرهاد بعد از قیام و از همان ابتدای شکل گیری جنبش مقاومت و جنبش انقلابی کردستان مبارزه سیاسی و تشکیلاتی خود را در صفوف کومه له پیش برد. با تشکیل حزب کمونیست ایران نیز همچنان با شور و شوق فراوان و بطور خستگی ناپذیر در راستای تحقق برنامه و استراتژی و آرمانهای این حزب به فعالیت های خود ادامه داد. او سالها عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، کمیته مرکزی کومه له و کمیته تشکیلات خارج کشور بود و در این موقعیت های تشکیلاتی هم پیگیرانه و وظایف انقلابی و رهبری خود را انجام داد.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت جانباختن رفیق نعیم گروسی نژاد



در روستاهای مناطق چم شار، کلاترزان، ژاوه رو و سارال و ... فعالیت می کردند و در خط تماس با توده ها بودند، رفتار دلسوزانه رفیق نعیم با زحمتکشان روستاهای منطقه برای همه پیشمرگان آموزنده بود. رفیق نعیم به دلیل همین خصلت های انسانی و انقلابی اش به یک چهره محبوب و قابل اعتماد در میان کارگران و زحمتکشان منطقه و در صفوف پیشمرگان کومه له تبدیل شده بود.

بدون تردید مرگ نا بهنگام رفیق نعیم یک ضایعه بزرگ برای حزب کمونیست ایران و کومه له به شمار می آید و همه صفوف حزب و دوستداران وی را در غم اندوه فرو برده است. با درس گرفتن از تجارب و دلسوزی های وی نسبت به منافع کارگران و مردم زحمتکش یادش را گرامی بداریم. از این طریق در گذشت رفیق نعیم را به اعضای خانواده اش و همه صفوف حزب و دوستداران وی تسلیت می گوئیم و خود را عمیقاً در این غم و اندوه شریک می دانیم.

۱۰ تیر ۱۴۰۰

۱ ژوئیه ۲۰۲۱

با تأسف فراوان رفیق نعیم گروسی نژاد از کادرها و پیشمرگان قدیمی کومه له و حزب کمونیست ایران بعد از چند ماه دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان در شبانگاه ۳۰ ژوئن ۲۰۲۱ چشم از جهان فرو بست. رفیق نعیم که از همان اوان جوانی به مبارزه سیاسی روی آورده بود مانند بسیاری دیگر از جوانان پرشور شهر سنندج فعالانه در مبارزات و قیام مردم علیه رژیم سلطنتی شاه شرکت کرد. رفیق نعیم بعد از پیروزی قیام توده ای علیه رژیم شاه، ادامه فعالیت سیاسی و تشکیلاتی خود و کار سازمانگرانه در میان توده ها را به کومه له پیوند زد. رفیق نعیم در همان سن جوانی یکی از چهره های شناخته شده و فعال در امر سازماندهی شوراهای محلات در شهر سنندج بود. رفیق نعیم به کارگران و مردم زحمتکش عشق می ورزید، به نقش تاریخ ساز آنها باور داشت و این خصائل انقلابی در تمام فعالیت های وی نمایان بود.

رفیق نعیم در دورانی که به عنوان مسئول سیاسی واحدهای نظامی در گردان شوان، گردان ثاریز و دیگر واحدهای نظامی در تیپ ۱۱ سنندج فعالیت می کرد، به عنوان یک کادر آگاه به مبانی سوسیالیسم علمی هیچ فرصتی را برای ارتقاء آگاهی پیشمرگانی که تازه به این واحدها ملحق می شدند از دست نمی داد. در دورانی که واحدهای پیشمرگ کومه له

بیانیه‌ی شماره یک کمیته دفاع از کارگران اعتصابی

معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان برابری طلب، جوانان و مردم آزادی خواه ایران!

ما نیز همچون اکثریت بزرگ شما دیگر تاب تحمل این زندگی مشقت بار و حقارت آور را نداریم. ما نیز همچون شما از نابرابری ها، تبعیض ها و سرکوب گری ها به تنگ آمده ایم. ما پیش از هر چیز انسانیم و این وضعیت فلاکت بار و حقارت آمیزی که سرمایه داران و حکومت آنها به ما تحمیل کرده اند را تجاوز آشکار به کرامت انسانی خود می دانیم. ما نیز همچون شما آگاهیم که این وضعیت تغییر نخواهد کرد مگر آنکه دست یاری به هم دهیم و متحدانه برای تغییر آن دست به اقدام بزنیم.

هر روز که می گذرد وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه به قهقرا می رود. سطح زندگی اکثریت مردم بویژه طبقه کارگر بطور مداوم در حال سقوط است. هر اندازه کار و تلاش و اضافه کاری و دوندگی بیشتر فردی، به بهبود قابل لمس در زندگی ما نمی انجامد. همانگونه که همگان شاهدیم به ویژه در سال های اخیر ناهنجاری هایی اجتماعی مانند اعتیاد، تن فروشی، دزدی، خودکشی و فروپاشی خانواده ها و پیوندهای اجتماعی به شدت افزایش یافته است. ابعاد بیکاری وحشت آور است. توده وسیع جوانان و حتی دانش اموزخانگان دانشگاهی امیدی به یافتن کار و افق یک زندگی انسانی و توام با رفاه را در برابر خود نمی بینند. تبعض سیستماتیک علیه زنان چه در اشتغال و کار و چه در سطح جامعه به جزیی جدایی ناپذیر از شیوه حکومت گری تبدیل شده است. غم نان نمی گذارد که معلمان با آسایش خاطر به آموزش فرزندان ما پردازند و هر تلاش آنان برای بهبود زندگی خود و سطح آموزش، با سرکوب، بگیر و ببند، و اخراج و زندان پاسخ می گیرد. بازنشستگان بعد از یک عمر کار و تلاش، حقوق دریافتی شان حداقل زندگی شان را نیز تامین نمی کند، و به درستی راهی جز اعتراض دستجمعی در مقابل خود نمی بینند. بیماری کرونا هر روز جان صدها نفر را می گیرد و بی مسئولیتی، بی لیاقتی و بی کفایتی دولت در کنترل این بیماری و حفاظت از جان مردم بر همگان آشکار شده است. جان و زندگی ما برای طبقه حاکم ارزان ترین و بی اهمیت ترین کالا است. این ها گوشه ی از زندگی است که طبقه حاکم سرکوب گر و سراپا غرق در فساد و دزدی و اختلاس گری برای ما رقم زده است، و انتظار دارد که ما آن را چون سرنوشتی شوم و محتوم بپذیریم.

در چنین وضعیتی است که کارگران شرکت های پیمان کاری فعال در عسلویه برای افزایش سطح دستمزدها، افزایش روزهای تعطیل به ده روز در ماه و نیز بهبود شرایط اسفناک کمپ ها و محل اقامت کارگران، دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. در این کمپ های غیر بهداشتی و فاقد امکانات اولیه، در هر اتاق ۹ نفر کارگر مجبورند که در کنار هم بخوابند. در بسیاری از اتاق ها مساحتی کمتر از یک متر به هر نفر می رسد. با گذشت چند روز از اعتصاب کارگران پیمانی در عسلویه؛ کارگران دیگر شرکت های پیمانی که در شرایط مشابهی بسر می برند نیز به اعتصاب پیوستند و این اعتصاب جنبه فراگیر و سراسری یافته است. در مقابل، کارفرمایان و دولت نه تنها به خواست و مطالبات کارگران پاسخ مثبت نداده اند، بلکه در گرمای ۶۰ درجه عسلویه با خالی کردن تانکرهای آب

مصرفی کمپ ها و حذف جیره غذایی کارگران، تلاش می کنند که عملا ادامه حضور کارگران در کمپ ها را ناممکن کنند. کارفرمایان بی شرمانه به کارگران اعلام کرده اند که: یا با شرایط گذشته به کار بر گردید و یا تصویه حساب کنید و بروید. چنین سطحی از آزادی عمل کارفرمایان و شرکت های پیمان کاری که توسط دولت و قوانین و بخشنامه ها مورد حمایت قرار می گیرند را در کمتر جایی از جهان می توان مشاهده کرد. کارفرمایان بطور سازمان دهی شده و با حمایت دولت قصد دارند که به هر نحو ممکن شرایط برده وار کار را همچنان به کارگران اعتصابی و میلیون ها کارگر دیگر که با قرار دادهای موقت و یا بدون قرارداد کار می کنند، تحمیل نمایند. اینجا سود و سرمایه حرف اول و آخر را می زند و آنچه که برای طبقه سرمایه دار و دولت آنها اهمیت ندارد زندگی و معیشت میلیون ها خانواده کارگری است.

اعتراض و اعتصاب کارگران شرکت های پیمانی، بخشی از مبارزه همه ما برای رهایی از این اوضاع فلاکت بار و تحمل ناپذیر است. این اعتصاب تا کنون به درستی مورد حمایت بسیاری از اقشار مردم قرار گرفته است. اما این حمایت ها ضروری است که گسترش یابد و جنبه عملی به خود بگیرد. ما از همه شما در خواست می کنیم که به هر نحو که می توانید از تشکیل کمیته های حمایت از اعتصاب تا برگزاری گردهمایی ها و یا هر اقدام عملی دیگر، از کارگران اعتصابی حمایت کنید. کارگران اعتصابی را تنها نگذاریم.

کارگران ! همکاران!

ما تنها با نیروی متشکل خود می توانیم در برابری توحش گری سرمایه بیاستیم. اکنون ایجاد تشکل مستقل کارگران در کارگاه ها، کارخانه ها، میداین عظیم نفت و گاز و... و در سطح سراسری بیش از هر زمان دیگر ضروری است. ما کمیته دفاع از کارگران اعتصابی ضمن حمایت از خواست و مطالبات برحق کارگران شرکت های پیمانی فعال در عسلویه و دیگر نقاط ایران از شما همکاران می خواهیم در این برهه ی زمانی حساس، خود را در هر سطح که می توانید متشکل کنید. قدرت ما در تشکل یابی ماست. لازم است به صورت جمعی و سازمان دهی شده برای یاری رساندن به همکاران اعتصابی اقدام کنیم. پیروزی این اعتصاب پرشکوه و فراگیر، پیروزی همه ماست. ما بویژه از کارگران شرکت نفت، پالایشگاه ها و پتروشیمی ها تقاضا داریم که به این اعتصاب به پیوندند. پا پیش بگذاریم، به صحنه بیاییم و با نیروی دهها میلیونی خویش، سرنوشت خود را خود رقم بزنیم.

۱۲ تیرماه ۱۴۰۰



فراخوان همبستگی بین‌المللی با کمپین ۱۴۰۰ (۲۰۲۱) اعتصاب سراسری کارگران نفت و گاز و پتروشیمی

به لیست مطالبات مان اضافه کنیم.» و «باید در مقابل همه این تعرضات متحدانه بایستیم. اخبار توطئه‌گری کارفرمایان را وسیعاً رسانه‌ای کنیم و در برابر هر تعرضی سراسری بایستیم.»

بیانیه شورای سازماندهی اعتصاب کارگران روشن‌گری می‌سازد که «تحت عنوان اینکه باید کار خود را در پروژه تمام کند و بعد اعتصاب کند، تهدید به اخراج می‌کند، باید پاسخ این باشد که اعتصاب ما سراسری است و ما به شرط و شروط شما تن نمی‌دهیم و اگر اخراج‌مان کنید با اعتراض چندین هزار کارگر نفت که وارد اعتصاب شده اند طرف خواهید بود.»

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران در بیانیه سوم خود اعلام می‌کند که اگر تا مرداد ماه، پاسخ نگیریم، در اشکالی گسترده‌تر اعتراض خود را به پیش خواهیم برد. و «ما بر سر خواست‌هایمان ایستاده‌ایم. دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد و میزان رده‌های مختلف مزدی باید بنا بر تخصص کارگر و در هماهنگی با خود کارگران تعیین شود.» ضمن اینکه «دستمزدها باید به‌موقع پرداخت شوند و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی مطالبه فوری ماست.» شورای سازماندهی اعتراضات می‌افزاید: ما با این خواست‌ها «کاری می‌کنیم که دست پیمانکاران کوتاه شود و قوانین ویژه اقتصادی و پادگانی در محیط‌های کارمان» کوتاه شود.

در شرایطی که اعتصاب سراسری تر می‌شود، شش شکل شامل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر و اتحاد بازنشستگان در بیانیه مشترکی از اعتصاب کارگران صنعت نفت، گاز و پتروشیمی پشتیبانی کردند.

بیانیه مشترک اعلام می‌کند که «اعتصاب سراسری، متحد و نیرومند کارگران پروژه‌ای و پیمانکاری صنایع نفت و



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در ادامه بیانیه‌های نخست و دوم خود، در بیانیه سوم بر «اتحاد کارگران» پافشاری کرده است. بیانیه سوم، از توطئه کارفرمایان، مقام‌های حکومتی و امام جمعه اشاره کرده و کارگران را از توطئه‌های حکومتی هشدار داده است. بیانیه شورای سازماندهی اعتصاب، گسترش و سراسری شدن اعتصاب را سلاح کوبنده کارگران در برابر تهدیدات حکومتی خوانده و پاسخ تهدیدات و «اخراج کارگران» را در اتحاد و همبستگی و سراسری شدن اعتصاب اعلام کرده است.

در این بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت به «توطئه کارفرمایان» برای اخراج کارگران اعتصابی، می‌افزاید: «که در برخی مناطق نفتی ما کارگران در محیط کار و خوابگاه‌هایمان باقی مانده‌ایم، اما «کارفرمایان با قطع آب و غذا و دسترسی به سرویس برای رفتن به شهر و تهیه نیازهای غذایی مان دارند فشار می‌آورند که خوابگاه‌ها را تخلیه کنیم.» قطع غذا و آب و تهویه زیر گرمای ۵۰ درجه سانتیگراد و موج کرونا، عناصر و کارگزاران حکومتی از جمله امام جمعه‌ها و دیگر عوامل حکومتی، ماموریت یافته‌اند تا با دل‌سرد کردن کارگران، به ایجاد تفرقه و فریبکاری دست بزنند.

بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، آشکار می‌سازد که کارگران اعتصابی را «به‌طور ضمنی تهدید کرده‌اند که نباید تجمعی صورت گیرد و اگر تجمع شود موضوع از سطح مطالبه‌گری فراتر رفته و سیاسی می‌شود و تاکید اکیدشان بر پرهیز از کشاندن اعتراض به خیابان بوده است.» بیانیه کارگران هشدار می‌دهد که «این اخبار تاکیدی بر حفظ اتحاد و همبستگی سراسری ماست و در عین حال تاکید بر این است که خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی نفت را باید

موج اعتصاب کارگران شرکت‌های پیمانی و پروژه‌ای در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی همچنان در حال گسترش است. ابتدا در ۲۸ خرداد ماه ۱۴۰۰ کارگران رسمی نفت در پایانه نفتی خارک اعتصاب کردند. سپس در ۲۹ خرداد هنگامی که کارگران پیمانی محروم از قرارداد رسمی و دائمی کار در نیروگاه بیدخون زیر گرمای ۵۰ درجه سانتیگراد دست از کار کشیدند و اعتصاب گسترش یافت که هر روز دامنه دارتر و سراسری می‌شود.

افزایش دستمزدها و پرداخت به موقع آن، ایمن سازی محیط کار، تغییر در نوبت کار به صورت ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی، لغو قوانین برده‌داری مناطق ویژه اقتصادی (Free trade zone) و برچیدن شرکت‌های پیمانی - این دلالتان نیروی کار انسانی - از جمله خواسته‌های کارگران اعتصابی است. پرداخت نشدن بخشی از دستمزد کارگران با وجود پایان یافتن مدت قرارداد و نیز کسر حق بیمه از دستمزد کارگران و عدم ارسال لیست بیمه‌ها به سازمان تامین اجتماعی، به روال عادی فعالیت شرکت‌های پیمانی تبدیل شده است.

تا دیروز سه شنبه، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۱ بیش از ۷۰ شرکت به موج اعتصابی پیوسته‌اند. تا این لحظه سندیکاهای کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران اتوبوسرانی تهران، اتحاد بازنشستگان و فرهنگیان، کارگران گروه ملی فولاد، دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، فراخوان گروهی شانزده تشکل و کارگران فعالین کارگری سندج، اطلاعیه‌های پشتیبانی احزاب چپ و کمونیست در بیانیه‌های خود به پشتیبانی از این اعتصاب پیوستند.

کارگران شرکت گاما در پایانه جاسک، کارگران شرکت سازه پاد در پتروشیمی بوشهر، مهندسان پرتونگار در عسلویه و آبادان، پیشتاژان آریا و پیشگامان فنون فارس نیز ضمن حمایت از «کمپین ۱۴۰۰» به اعتصاب پیوستند و اعتصاب در هشت استان استراتژیک کارگری و صنعتی ایران به امواج فراگیر و فزاینده اعتصاب پیوسته‌اند.

JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN

Editor: **Halmat Ahmadian** , halmatean@hotmail.com

04 July 2021 NO: **453**

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۹۶۶۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳
۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷
۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸
۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکشر)

takesh.komalah@gmail.com

پاکستان، ترکیه و السالوادور هستند. پیش از این اعلام همبستگی طبقاتی و بین المللی، اتحادیه عمومی کارگران بخش نفت و گاز عراق، فدراسیون بین المللی کارگری اینداستریال و پلت فرم سندیکای های کارگری سوئد از اعتصاب های کارگران نفت اعلام همبستگی و پشتیبانی کرده بودند.

ما همبستگی خود را با کارگران اعتصابی در شرکت های پیمانی نفت، گاز و نیروگاهها اعلام می داریم، از خواست های به حق آنان پشتیبانی می کنیم و بنا به وظیفه خود از تشکل های بین المللی کارگری می خواهیم که از مبارزات کارگران به پا خاسته در ایران پشتیبانی کنند.

دفتر روابط بین الملل حزب کمونیست ایران
۳۰ ژوئن ۲۰۲۱

پتروشیمی محصول مطالبات و اراده مشترک آنها برای دستیابی به خواست هایشان، همچنین به میدان آمدن کارگران رسمی و اعلام پشتیبانی از خواست های مشترک همدیگر، همچون سیل خروشان به راه افتاده و پرتوان ادامه دارد.

ده ها سندیکا، اتحادیه، فدراسیون و کنفدراسیون کارگری در جهان در بیانیه مشترکی که روز دوشنبه ۷ تیر منتشر شد، از اعتصاب سراسری کارگران پیمانکاری و پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در بیش از ۶۵ شرکت اعلام پشتیبانی کردند. این تشکل های عضو «شبکه بین المللی سندیکایی همبستگی و مبارزه»، در بیانیه خود، همراه با اعلام پشتیبانی از کارگران ایران، از شورای سازماندهی اعتصابات کارگران پیمانی نفت نیز پشتیبان کرده اند. این همبستگی بین المللی کارگری از جمله از کشورهای برزیل، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، بورکینافاسو، اندونزی، الجزایر، هائیتی، سنگال،

میزگرد شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

پیامدهای «انتخابات در ایران» و
موقعیت جنبش کارگری

خسرو بوکانی - حزب کمونیست ایران
عباس سماکار - فعال سیاسی چپ
سیوان کریمی - حزب حکمتیست

جمعه ۲ ژوئن ۲۰۲۱ ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی - ۲۱:۳۰ به وقت تهران

بخش زنده از طریق زوم به آدرس زیر
<https://us02web.zoom.us/j/84090403502?pwd=NGVJeHY5Y29ubVh0dG1zbk1pbHJjZz09>

میزگرد شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

پیامدهای «انتخابات در ایران» و
موقعیت جنبش کارگری

نسرین ابراهیمی سازمان راه کارگر
بهروز خباز فعال کارگری
حسن بهزاد سازمان فدائیان اقلیت

جمعه ۹ ژوئن ۲۰۲۱ ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی - ۲۱:۳۰ به وقت تهران

بخش زنده از طریق زوم به آدرس زیر
<https://us02web.zoom.us/j/82778458293?pwd=YzNZL2Q3Qm1uR1RENkxKNF10UkUjUT09>